۷۳۳

راه اصلاح

یا

امر به معروف و نهی از منکر

تألیف

آیت الله حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به

جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم

بسم الله الرحمن الرحیم

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ –
عنوان و نام پدیدآور : راه اصلاح یا امربه‌معروف‌ونهی‌از منکر/ تالیف لطف‌الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر : قم: دفتر آیت‌الله‌العظمی شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۱۲۷ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵س‌م.
شابک : ۱۵۰۰۰ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۲۷-۸
وضعیت فهرست نویسی : فاپا
یادداشت : چاپ‌قبلی: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
یادداشت : کتابنامه بصورت زیرنویس.
موضوع : امر به معروف و نهی از منکر
شناسه افزوده : دفتر آیت‌الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی
رده بندی کنگره : BP۱۹۶/۶/ص۲۳ر۲ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۷۵
شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۴۲۱۵

سخن ناشر

یکی از فرایضی که همواره در اسلام مورد تاکید بوده است و عمل به آن موجب بقای جامعه و سلامت آن دانسته شده فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر است.

گستره‌ی شمول امر به معروف و نهی از منکر در مباحث نظری اسلام تا حدی است که هر سه ساحت دین یعنی فقه و احکام، کلام و عقاید، و بالاخره اخلاق و تربیت را در برمی گیرد و علاوه بر متون و نصوص دینی، عالمان فراوانی درباره‌ی ابعاد مختلف آن از دیدگاه‌های گوناگون ابراز نظر کرده‌اند و کتب فراوانی در این زمینه نگارش یافته است.

حضرت آیت الله العظمی صافی که خود از مراجع بیدار و آگاه تشیع است و مواضع محکم او در دفاع از دین و نفی بدع بر تارک صفحات تاریخ حیات طیبه‌ی علمی و عملی‌اش می‌درخشد و سلامت و سعادت جامعه‌ی دینی و حفظ کیان و نوامیس شیعی و ارتقای آگاهی‌های دینی همگان و به ویژه جوانان و بانوان، همواره از دغدغه‌های مهم و اساسی‌شان بوده است کتاب «راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر» را در ایام جوانی و با هدف بیداری جامعه و

مقابله با ریشه‌های فساد و تباهی به رشته تحریر در آورد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶

نگارش چنین کتابی در شرایط سخت و اسف‌بار آن زمان (رجب‌المرجب ۱۳۶۹ هجری قمری، اردیبهشت ۱۳۲۹ هجری شمسی) حاکی از عشق به ترویج آرمان‌های انسان‌ساز اسلام عزیز و نیز شجاعت و ثبات قدم مؤلف است. برخی شواهد مورد ذکر در کتاب، که ممکن است اکنون موضوعیتی نداشته باشد، ناظر به وضعیت مبتذل فرهنگی آن دوران است.

دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الشریف به دلیل اهمیت موضوعات مطرح شده در کتاب و همچنین

شیوایی اثر و بیان دلسوزانه و دردمندانه‌ای که در سطور کتاب منعکس است اقدام به باز نشر آن با اندک اصلاحات ویرایشی می‌نماید.

بنا به اطلاعات موجود، این کتاب حداقل یک بار قبل از انقلاب اسلامی توسط چاپخانه‌ی علمیه و سه بار پس از آن توسط دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین منتشر گردیده است.

دفتر تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العضمی صافی گلپایگانی (مد الظله الشریف)

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعالَمين، وَ الصَّلاةُ وَ السَّلامُ عَلی سَيِّدِ رُسُلِهِ وَ خاتَمِ أنْبيائِهِ أَبِی الْقاسِمِ مُحَمَّد وَ آلِهِ الطَّيّبينَ الطّاهِرينَ الْمَعْصُومينَ، وَ اللَّعْنُ عَلی أعْدائِهِمْ أجْمعين.

قال الله تعالی:

(وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُوْلَـئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)[۱]

و باید از شما مسلمانان برخی (که دانا و با تقواترند)، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر کرده، از بدکاری نهی کنند و آنانند رستگاران.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸

و قال الله تعالی:

(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَآئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُواْ بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُواْ النُّورَ الَّذِيَ أُنزِلَ مَعَهُ أُوْلَـئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)[۲]

آنان که پیروی کنند از رسول و پیغمبر امّی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست [نام او را] نگاشته می‌یابند، [او] آنها را امر به نیکویی و نهی از زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه را حلال و هر پلید و منفور را حرام می‌گرداند و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر بر گردن خود نهاده‌اند بر می‌دارد. پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزّت نگاه داشتند و یاریش کردند و نوری که بر او نازل شد پیرو شدند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

هر مسلمانی اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را می‌داند و اگر به آیات کریمه‌ی قرآن مجید و اخبار و احادیث مرویه از پیغمبر اکرم و اوصیای بزرگوار آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین رجوع نماید، درجه‌ی ترغیب و تأکید خداوند متعال و اولیای اسلام را درباره‌ی این دو واجب بزرگ، می‌فهمد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹

ما، در این مقدمه از بیان آثار و نتایج عظیمه‌ی این وظیفه‌ی دینی و اخلاقی در هدایت جامعه به راه نیکبختی و حصول ثواب و عنایات الهیّه و اجرای قواعد و مقررات مفیده اسلامی و نگهداری رسوم عدالت و مساوات و تهذیب اخلاق و بسط علم و فرهنگ و ایجاد یگانگی و اتحاد و تعظیم از تشخّصات و شعائر دینی و ملی و دفاع از حقوق همه افراد و حمایت از ضعفا و مظلومین و بینوایان و مبارزه با فحشا و منکرات و جلوگیری از ستم ستمکاران و تعدیات و حق کشی‌ها و بالاخره انواع مصائب و آلامی که امروز نوع بشر به آنها مبتلا و گرفتار است، بی‌نیاز هستیم. فقط می‌خواهیم خوانندگان این اوراق را به مسئولیت بزرگی که اولًا در پیشگاه عدل و حساب الهی، و ثانیاً در برابر وجدان پاک خود، ثالثاً در مقابل تاریخ و جامعه انسانیت و نسل آینده دارند، متوجه نماییم تا با کمال دقت، این رساله را مطالعه نموده میان خود و خدا به حساب این واجب بزرگ و معامله‌ای که بسیاری از ما مسلمانان امروزه با آن می‌نماییم، رسیدگی فرمایند.

می‌خواهیم از آنهایی که از خدا می‌ترسند و ندای وجدان پاک انسانیت را می‌شنوند بپرسیم که مسئول این گناهان و معصیت‌هایی که متداول شده و زشتی و قبح پاره‌ای از آنها از میان رفته، کیست و آن کسانی که به طور کلی امر به معروف و نهی از منکر را ترک نموده‌اند، عذرشان چیست؟

اهل اطلاع و بصیرت می‌دانند که یکی از بزرگ‌ترین علل انحطاط و عقب ماندن ما مسلمانان امروزه از کاروان ترقی و تمدن، و رواج بازار فساد و اخلاق سیئه و بیگانه‌پرستی- که در میان ملل اسلامی بی‌سابقه است- ترک امر به معروف و نهی از منکر و فقدان شجاعت اخلاقی و صراحت لهجه است.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰

امروز هم اگر بخواهیم مانند اسلاف و گذشتگان خود به کمال مجد و شرف برسیم و طوری زندگی کنیم که دست دشمنان از سر ما کوتاه و از این بی‌نظمی‌ها و هرج و مرج‌ها نجات یابیم، باید با تمام خلوص نیت در مقام رفع موانع و معایب برآمده، امر به معروف و نهی از منکر نماییم.

معلوم است که تعلیمات اسلامی بهترین و کامل‌ترین تعالیم آسمانی است و ممکن نیست که جامع‌تر از آن به فکر هیچ مشرّع و قانونگذاری برسد، اما این تعلیمات وقتی سودمند خواهد بود که توسط امر به معروف و نهی از منکر اجرای آن ضمانت گردد.

اسلام نه فقط به تمام افراد حق داده است که در اجرای قواعد و تعالیم اسلامی نظارت کنند، بلکه آن را از وظایف حتمی هر فرد دانسته و پیروان خود را در ترک این وظیفه مورد بازخواست و مؤاخذه قرار می‌دهد و با حفظ این اصل بزرگ، می‌خواهد عالی‌ترین مجتمع بشری را تشکیل دهد.

این کانون‌های بدبختی و این مؤسسات قمار و ربا و این گناهان کوچک و بزرگ در جوامع مسلمین ثمره‌ی مسامحه در ادای این وظیفه است.

این ظلم و ستم و انواع تقلّب‌ها و خیانت‌ها و پشت هم اندازی‌ها و جلو آمدن اشخاص نالایق و روی کار آمدن مردمان منفعت پرست و فاسد الاخلاق و تکثیر جرائم و جنایات، معلول اجرا نشدن حدود اسلامی است. اگر دست دزد را می‌بریدند، یا میخواران و مرتکبین اعمال زشت دیگر را مطابق موازین اسلامی به کیفر می‌رساندند، هرگز برای جلوگیری از این مفاسد محتاج به صرف این مخارج هنگفت و این تشکیلات عریض و طویل بی‌فایده نمی‌شدند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱

البته توجه به این موضوع و اعمال نظارت و مواظبت در اجرای احکام و تکالیف و رعایت آداب حسنه، محتاج به حصول یک مرحله از رشد و فهم است و تا سطح معارف و معلومات جامعه به حدّ کافی ترقی نکند نباید انتظار داشت که همه و هر کس در امر

به معروف و نهی از منکر ساعی و کوشا باشد، ولی نمی‌توان این جهت را عذر مقبولی شمرد و خود را در کوتاهی و غفلتی که نسبت به ادای این وظیفه روا داشته‌ایم بی‌تقصیر و معذور بدانیم.

در خاتمه این نکته را هم یادآور می‌شویم که غرض از نگارش این رساله این نیست که بعض مردمان نادان بی‌اطلاع از آداب و اخلاق حسنه و مسایل امر به معروف و نهی از منکر به نام امر به معروف و نهی از منکر، هیاهو و جار و جنجال برپا کرده برای یک موضوع کوچک، مفاسد بزرگ تولید کنند؛ زیرا علاوه بر آنکه امر به معروفی که چنین اشخاصی بنمایند سودی نخواهد داشت، ممکن است به واسطه سوء اخلاق و بی‌نزاکتی و درشتی و خشونت‌های بی‌موردی که از اینگونه افراد در بسیاری از موارد صادر می‌شود، شریعت سَمحه‌ی سَهله اسلامی که مبنی بر مهربانی و حسن ادب است و بهترین روش اخلاقی را به جامعه یاد می‌دهد، به صورت دیگر معرفی گردیده و وضع آنها و نادانی‌هایی که به این اسم مرتکب می‌شوند، موجبات تنفّر و انزجار مردم را فراهم کند.

پس، از این دسته تقاضا داریم که با مطالعه کتاب‌هایی که راجع به امر به معروف نوشته شده قبلًا این نقاط ضعف و نواقص اخلاقی را مرتفع ساخته و آداب و احکام شرعی آن را فرا گیرند. و از کسانی که ملتفت و آگاه هستند خواهشمندیم که در ادای این وظیفه بزرگ، مسامحه نکرده موجبات سربلندی و افتخار خود و جامعه مسلمین را فراهم فرمایند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲

ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

انسان، مخلوق تک بعدی نیست تا تنها به یک چیز و یک کار و یک جا و یک نقطه متوجه باشد؛ زیرا وجودش مرکّب از رقایق و غرایز و اجزای چندی است که هر یک او را به سویی می‌خوانند؛ مثلًا در انسان، هم غریزه میل به غذا هست، و هم میل به ریاست، و هم میل به راحتی و آسایش، و هم میل به نیکوکاری و عبادت، و هم تمایلات دیگر. همین اختلاف خواهش‌ها و غرائز است که بشر را با اشکالات بسیار روبرو نموده و حوایج او را نامحدود ساخته است. و همین‌ها هستند که او را وادار به کار و کوشش و تحصیل کمال و رفع حوایج می‌کند. اگر انسان اینها را نمی‌داشت انسان نمی‌بود. و اگر این غرایز مختلف نبود، این عزّت و امتیاز و آقایی در میان مخلوقات، نصیب او نمی‌شد.

حقیقت آدمی و گوهر ذات او را خداوند از رقایق مختلف آفریده و این اختلاف میل و خواهش‌های ما، راجع به همان اختلاف مواد حقیقت انسانیت است. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

(إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا)[۳]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۳

ما او را از آب نطفه‌ی مختلط خلق کردیم. و او را دارای دو چشم و گوش گردانیدیم.

و در عین حال روش هماهنگ ساختن این قوا و تنظیم و تعدیل و راه حفظ اعتدال و استفاده از آنها را هم به ما آموخته است که:

(إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)[۴]

ما به حقیقت راه را به انسان نمودیم، حال که خواهد شکر این نعمت گوید و خواهد کفران کند.

در باطن بشر تا به مرحله‌ی کاملی از رشد و نبوغ نرسیده باشد قوای ملکوتی و عقلانی با قوای شهوی و غضبیه پیوسته در جنگ و پیکارند. جنود عقل همیشه در برابر سپاه جهل و شیطنت، ایستادگی و صف آرایی می‌کنند و هر یک می‌خواهند متصرف در وجود او شوند و احساسات گوناگون او را همواره تحریک و تهییج می‌نمایند. انسان وقتی سعادتمند خواهد بود و از این اضطرابات درونی

راحت می‌شود که بتواند این عواطف را مرتب و هماهنگ نموده و هر یک را در جا و محل خود صرف نماید.
ایمان به خدا بهترین وسیله‌ای است که می‌تواند جلو جنبش‌های نفس انسان بایستد و او را از افراط و تفریط نجات دهد. ایمان به خدا انسان را شاد و خوشحال نموده و از سرگردانی و تحیّر رهایی داده، طمأنینه‌ی قلب به او می‌بخشد. چنانچه در قرآن مجید می‌فرماید:
(أَلَا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)[۵]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۴
هیچ وسیله دیگر نمی‌تواند در این نتیجه، جای ایمان قرار بگیرد. قدرت ایمان در خاموش کردن آتش شهوت و غضب و جلوگیری از مفاسد و جرایم و جنایات، بیش از تمام وسایلی است که بشر برای این منظور به آنها متوسّل شده است. اگر ایمان به خدا نباشد، بیشتر مردم به شرّ و فساد مایل شده و از رعایت آداب و حدود، سرباز می‌زنند.
روح ایمان در باطن هر مخلوقی هست و هر آفریده در ذات خود تسلیم خدا و متوجه به درگاه اوست. انسان هم فطرتاً دارای این توجه است و می‌فهمد که خودش، خودش را نیافریده و به این عالم نیاورده و به جز فقر و احتیاج ذاتی، دارای چیزی نیست، نه تنها خودش این طور است، پدر و مادر و اجداد و خویشانش و همه افراد بشر از شاه و گدا و بالاخره تمام مخلوقات از کرات عظیم، خورشید و ستارگان، تا ذرات کوچک به همین حالند. نه خودشان از خود، هستی و وجودی دارند و نه می‌توانند به دیگری وجود و هستی بدهند. آفریننده و خالق و نگهدارنده همه خداست که وجود همه موجودات از اوست و همه را او آفریده و مالك و صاحب اختیار همه است، دانا و تواناست؛ زیرا به مخلوقات، دانایی و توانایی داده و جامع جمیع صفات کمالیه است و از هر عیب و نقص مبرّا است. پس آدمی بالفطره با مبدأ آفرینش و عالم غیب آشنا و مربوط است، ولی باید این آشنایی را کامل کرد و این التفات و شعور را تقویت نمود. باید به بشر فهماند که خدا همواره حاضر و ناظر اعمال و رفتار اوست و هیچ عمل خیر و شرّی از دایره علم و دانایی او پنهان نیست. و همان خداست که بهترین راه و روش زندگی را به انسان یاد داده و به هر کار نیکی هدایت فرموده
راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۵
است. و چون همه افراد از حیث ایمان در یک درجه و مرتبه نیستند و میزان تأثیر و تسلط بر نفوس یکسان نیست، باید هر کس مراقب و مواظب خود باشد و با ملاحظه، قدم بردارد و هوای نفس را کوچك و حقیر نشمارد.
با تمام این مطالب کمتر کسی است که بتواند طوری زندگی کند که لغزش و خطایی از او صادر نشود. غالب مردم به واسطه ضعف ایمان و اینکه نتوانسته‌اند کاملًا بر خویش تسلّط یابند از معصیت و خطا مصون نمی‌مانند؛ زیرا نقاط ضعف در انسان زیاد و نواقص او بسیار است، لذا باید به وسیله امر به معروف و نهی از منکر اینگونه افراد را ملتفت معایب اعمالشان ساخت تا متنبّه و پشیمان شوند و خط سیر خود را عوض کنند.
پاره‌ای دیگر هم یا اصلًا بی‌ایمان‌اند و فطرت پاك انسانیت را از دست داده‌اند، و یا آنقدر ایمان آنها بی‌ثمر است که به رعایت آداب و قوانین، مقید نیستند و ملاحظه و حسابی در کارها ندارند. این طایفه را هم توسط امر به معروف و نهی از منکر باید محدود نمود و وادارشان ساخت که از آداب و حدود و قواعد، تبعیت و احترام نمایند.
اگر از امر به معروف و نهی از منکر خودداری شود رفته رفته دامنه گناهان و معاصی توسعه پیدا کرده، رشته زندگی اجتماعی بشر از هم گسیخته خواهد شد و مفاسد و معایب بزرگ تولید می‌گردد.
همان‌طور که اگر یکی از اعضای پیکر فرد از انجام کار خود باز ماند، سایر اعضا نیز در انجام وظیفه در رنج و تعب می‌افتند، و اگر عضو مریض معالجه نشود، بسا همان یک عضو، تمام پیکر را از پای در می‌آورد، فردی هم که برای جامعه به منزله یک عضو

است، اگر فاسد شد و وظیفه خود را

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۶

انجام نداد برای تمام جامعه خطرناک خواهد بود و تمام افراد جامعه حق دارند به او اعتراض کنند و اصلاح او را بخواهند.

چنانچه در روایتی از پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله منقول است که جامعه را مَثَل به طایفه‌ای زد که سوار کشتی شوند و برای هر یک از آنها جا و مکانی معین کنند و یکی از آنها با تبری جای خود را سوراخ سازد و دیگران او را از این کار باز دارند و او در جواب گوید: من در جای خود تصرف می‌کنم و آن را سوراخ می‌سازم، به شما کاری نیست! اگر دیگران این عذر را از او بپذیرند و بگذارند تا کشتی را سوراخ کند، آب در آن وارد شود و همه غرق شوند، و اگر عذر او را نپذیرفتند و او را از این کار منع نمودند، هم خودشان و هم آن شخص نجات یابد.

«انّ قوماً رکبوا سفینةً فاقتسموا فصار لکلّ رجل منهم موضع فنقر رجل منهم موضعه بفأس فقالوا له: ما تصنع؟ قال: هو مکانی اصنع فیه ما شئت! فان اخذوا علی یده نجا و نجوا، و إن ترکوا هلک وهلکوا»[۶]

امر به معروف و نهی از منکر محیط را برای تربیت افراد صحیح و لایق، مساعد می‌کند و مادام که بشر به وجود افراد صالح محتاج است، به امر به معروف و نهی از منکر هم محتاج است. همچنین زمینه‌های فساد را از میان می‌برد و کانون‌های فحشا و منکرات را ریشه‌کن می‌سازد. پس انسان تا در این جهان طبیعت زندگی می‌کند هیچ‌گاه از امر به معروف و نهی از منکر بی‌نیاز نیست.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۷

بشر با آنکه توانسته است اسراری را از عالم طبیعت کشف کند و این همه قوای عظیم را تسخیر اراده خود سازد و توانسته است این همه در ناحیه ظاهر و مادیات پیش برود و هر روز هم با استعداد خدادادی به کشف قوّه مجهوله دیگر موفق می‌شود، نمی‌تواند خود را از تعلیمات آسمانی و امر به معروف و نهی از منکر و دعاۀ اصلاح و رجال روحانی و مواعظ و نصایح، بی‌نیاز شمارد و هر چه دانایی و توانایی او روزافزون شود، احتیاج او به این مطالب بیشتر خواهد شد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۸

راه شناختن معروف و منکر

همان‌طور که در نهادِ انسان میل به ترقّی و نیکوکاری و اعمال صالحه مانند: پرستش خدا و راستی و وفا و شکر منعم و ترحّم و عدالت و اعانت فقرا و اجتناب از کارهای زشت و اعمال سیئه مانند: کفر نعمت و نادرستی و دروغ و بی‌وفایی و ستم و حق‌کشی آفریده شده، در وجود او قوه دیگری است که با آن خوبی را از بدی و صلاح را از فساد و خیر را از شر و حق را از باطل تمییز می‌دهد. اما ضعف و ناتمامی و محدودیت انسان که همه‌ی قوای او را احاطه کرده این قوه را نیز بی‌نصیب نگذارده و دایره‌ی ادراکات بشر را تنگ و محدود نموده است و او را با تمام معلوماتی که تحصیل کرده و یا بعداً تحصیل می‌نماید، در برابر مجهولات بی‌شماری که تصور بسیاری از آنها هم برای او محال است، قرار داده است. انسان باید برای کم کردن این مجهولات قدم‌های بزرگ بردارد و تا آنجایی که فکر و حواس او به او اجازه می‌دهد سعی و کوشش نماید و در عین حال معترف باشد که او بسیار حقیر و کوچک، و جهان خلقت بسیار عظیم و بزرگ است و معلومات او هر چقدر هم باشد، متناهی و مطالب مجهول نامتناهی است. خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

(وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۹

بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ)[۷]

اگر هر درختی از درخت‌های روی زمین قلم‌ها شود و دریای محیط، مرکب گردد و هفت دریا بر آن افزوده شود که کلمات و مخلوقات خدا نوشته شود، کلمات الهی تمام نگردد.

انسان هر چند فکرش عالی باشد، از عهده تنظیم یک برنامه عملی صحیح و عادلانه و تشریع تعالیم جامع و مفیدی که از هر جهت عالم بشریت را اداره نماید بر نخواهد آمد، و نخواهد توانست تنها به کمک خرد و اندیشه خود، نیکی‌ها را از بدی‌ها و معروف را از منکر تشخیص دهد، مصالح و مفاسد همه امور را ادراک نماید. بشر هر چه در قوه فهم و ادراک، کامل و برجسته شود از فهم بسیاری از حقایق اظهار عجز می‌کند. از حضرت باقرالعلوم علیه‌السلام مروی است که فرمود:

یَابْنَ آدَمَ! لَوْ اكَلَ قَلْبَكَ طائِرٌ لَمْ يُشْبِعْهُ وَبَصَرُكَ لَوْ وُضِعَ عَلَيْهِ خَرْقُ ابْرَةٍ لَغَطّاهُ تُرِيدُ أنْ تَعْرِفَ بِهِما مَلَكُوتَ السَّمواتِ وَالْارْضِ.[۸]

ای پسر آدم! هرگاه مرغی دل تو را بخورد او را سیر نمی‌سازد و اگر سرِ سوزنی در چشم تو گذارده شود می‌پوشاند او را و کور می‌شوی، با این چشم و دل می‌خواهی ملکوت آسمان‌ها و زمین را بشناسی.

زمین در جنب این نه طاق خضراچو خشخاشی بود بر روی دریا

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۰

تو خود بنگر از این خشخاش چندی‌سزد گر بر بروت خود بخندی

چه بسا از مسائلی که درک انسان از فهم آنها قاصر، و چه بسا مطالبی که اصلًا قوّه‌ی فهم آن به او داده نشده است که:

(وَمَا أُوتِيتُم مِّن الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا)[۹]

امروزه که دنیای علم این همه ترقی نموده و نیروی دانش و فکر بشر این همه مجهولات را معلوم ساخته است، باز هم مسلم است که معلومات انسان اگرچه میلیون‌ها سال دیگر از عمر او بگذرد در مقابل مجهولاتش حقیر و ناچیز است. و اگر ما به غیر از این حواس و راه‌های ارتباطی که با این عالم داریم حواس دیگری می‌داشتیم محققاً بر اسرار بیشتری اطلاع پیدا می‌کردیم. لذا قرآن مجید نسبت به شخص اول عالم (یعنی پیغمبر اسلام صلّی الله علیه وآله) خطاب می‌فرماید که:

(وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا)[۱۰]

از این مطالب هم که بگذریم بیشتر افراد به واسطه نظریات و مقاصد شخصی که دارند و در اثر آنکه تحت تأثیر عوامل بسیاری مانند خواهش‌های نفسانی و تربیت خانوادگی و محیط قرار گرفته‌اند، در بسیاری از نظریات و آرایی که اظهار می‌دارند متّهمند. پس نمی‌توان میزان تمیز خیر و شرّ، حقّ و باطل و خوب و بد را به طور کلی «عقل» دانست. خصوصاً که افراد در درجات استعداد و فهم و شعور و ادراک متفاوتند و بسیار اتفاق می‌افتد که چیزی را که یک عقل آن را خوب و معروف تشخیص داده، عقل

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۱

دیگر در خوبی آن تردید می‌کند، بلکه یک نفر در یک موقع یک عملی را خوب تشخیص می‌دهد در حالی که در موقع دیگر آن را بد و منکر شناخته بود. قضاوت ما راجع به اعمال و رفتار دیگران با قضاوتی که در کردار و روش خود و کسان خود می‌نماییم یکسان نیست.

در اینجاست که به یک نکته از نکات و حکمتی از حکم بعث رسول و انزال کتب بر می‌خوریم و کمال احتیاج جامعه انسانیت را به

معلمین الهی و راهبران آسمانی که در روشنایی وحی و الهام مصالح و مفاسد هر چیزی را می‌بینند و منکر را از معروف جدا می‌کنند احساس می‌کنیم و می‌فهمیم که همانطور که چشم ظاهر انسان در رؤیت اجسام و دیدن مبصرات به کمک یک نور خارجی مانند نور چراغ یا نور آفتاب محتاج است، چشم باطن یعنی عقل و هوش هم در درک مصالح و مفاسد بسیاری از امور به یک نور و روشنایی خارجی احتیاج دارد.

و اینجاست که به درجه تأثیر دعوت پیغمبران علیهم‌السّلام در اصلاح امور و نشان دادن مصالح و مفاسد اعمال و کارها و تمیز حق از باطل آشنا می‌شویم.

در حالی که قوانین و آداب و مقرراتی که ساخته فکر ناقص بشر است هرگز این نتیجه را نخواهند داشت.

مراجعه به احکام و تعالیم دین مقدس اسلام و تکالیف واجب، حرام، مکروه و مستحب و خلاصه همه وظایفی که برای یک نفر مسلمان معین شده ما را از تقدیم هر توضیحی در این خصوص بی‌نیاز می‌سازد، زیرا هر باانصافی پس از دقت در تعالیم اسلامی شهادت می‌دهد که میزان تشخیص معروف از منکر و حق از باطل، فقط دین اسلام است که به تمام نیکی‌ها امر

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۲

و از همه بدی‌ها نهی نموده است. از حضرت رسول اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم روایت شده است که فرمود:

ما مِنْ شَیء یُقَرِّبُکُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَیُباعِدُکُمْ مِنَ النّارِ إلّا وَقَدْ امَرْتُکُم بِهِ. وَما مِنْ شَیء یُقَرِّبُکُم مِنَ النّارِ وَیُباعِدُکُم مِنَ الْجَنّةِ إلّا وَقَد نَهَیتُکُم عَنْهُ.[۱۱]

چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک کند و از دوزخ دور کند مگر این که شما را به انجام آن فرمان داده‌ام. و چیزی نیست که شما را به دوزخ نزدیک کند و از بهشت دور کند مگر این که شما را از انجام آن بر حذر داشته‌ام.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۳

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

اشاره

در میان تکالیف و فرایض اخلاقی کم تکلیفی مانند امر به معروف و نهی از منکر مؤثر در اصلاح امم و تکامل طوایف است. زنده‌ترین ملت‌ها آن ملتی است که موقعیت امر به معروف و نهی از منکر در میان آنها محفوظتر و محترم‌تر باشد. میزان رشد و بلوغ هر طایفه از درجه‌ی توجه و عنایتشان به امر به معروف و نهی از منکر معلوم می‌شود.

دین اسلام که جامعه را به هر مصلحت و کار نیک فرمان داده و از هر مفسده و کار زشت، نهی فرموده، شأن امر به معروف و نهی از منکر را بسیار بزرگ شمرده و راجع به آن انواع تأکیدات و ترغیبات نموده و انتظام تمام تشکیلات اجتماعی و سیاسی و حفظ شوکت و عظمت مسلمانان را به آن موقوف کرده است.

تا موقعی که مسلمانان در امر به معروف و نهی از منکر و برطرف ساختن معایب و مفاسد، بذل همت می‌نمودند و حدود و رسوم و قواعد عالی اسلامی در بین آنها پابرجا بود و ضعیف و قوی یکسان و یکنواخت از حقوق خود استفاده می‌کردند و یک شخص عادی قدرت داشت که از یک امیر مقتدر حق خود را بگیرد و فقیر بینوا با ثروتمند متشخص برابر بود و

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۴

پادشاهان و زمامداران بزرگ، سخت‌ترین سخنانی را که به نام موعظه و امر به معروف به آنها می گفتند می‌شنیدند (و کسی آن را خلاف احترام مقام سلطنت و امارت آنان نمی‌شمرد)، تجاهر به فسق و فجور و معاصی در جامعه نبود.

البته ذکر تمام آیات قرآن کریم و اخبار و احادیث شریف که در موضوع امر به معروف و نهی از منکر و تنبیه غافل و تعلیم جاهل و دفاع از حق وارد شده است ما را از وضع اختصاری که در این رساله در نظر داریم خارج می‌نماید، ولی برای آنکه معلوم شود مسامحه و کوتاهی در انجام این وظیفه ما را از چه مصالح و فواید بزرگی محروم و به چه مصایب و مفاسدی مبتلا می‌سازد به ذکر بعض از آیات قناعت نموده و برای اطلاع بیشتر، خوانندگان محترم را به مطالعه کتب مفصله حدیث مانند کافی، وسایل، بحار و غیره سفارش می کنیم.

رستگاری در گرو نظارت همگان

خداوند متعال می‌فرمایند:

(وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وأُوْلَـئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)[۱۲]

باید از شما جماعی باشند که مردم را دعوت به خیر کنند و به نیکی امر، و از بدی نهی نمایند و چنین مردم رستگارند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۵

ملاک امتیاز امت اسلامی

(كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّه)[۱۳]

شما (مسلمانان حقیقی) بهترین امّتی هستید که در جهان پدید آمده‌اید، [چرا که به خوبی، امر می کنید و از بدی باز می‌دارید و به خدا ایمان دارید.

همگانی بودن این فریضه

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاء بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلاَةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ أُوْلَـئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)[۱۴]

مردان مؤمن و زنان مؤمنه بعض ایشان یار و ناصر بعض دیگرند؛ امر می کنند به معروف و نهی می کنند از منکر و بر پا می‌دارند نماز را، و ادای زکات می کنند و خدا و رسول را اطاعت می‌نمایند، ایشانند که به زودی مشمول رحمت الهی می‌شوند، به درستی که خداوند، عزیز و حکیم است.

و در وصف مهاجرین می‌فرماید:

(الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ)[۱۵]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۶

(مهاجرین) آنچنان کسانی هستند که اگر آنها را در زمین تمکین دادیم، اقامه کنند نماز را و ادای زکات کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

در کتاب وسایل الشیعه از حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام روایت نموده که فرمود:

«لتأمرن بالمعروف ولتنهنّ عَن المُنکر او لیستعملنّ علیکم شرارکم فیدعو خیارکم فلایستجاب لهم»[۱۶]

هر آینه البته امر به معروف و نهی از منکر کنیـد، و اگر نه، بر شـما، بَدان مسلّط گردنـد و نیکانتـان دعا کننـد و دعایشان مسـتجاب نشود.

و از حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام روایت کرده که فرمود:

«انّ رجلا من ختعم جاء الی رسول الله صلّی الله علیه وآله فقال: یا رسول الله! اخبرنی ما افضل الاسلام؟»

قال: الإیمان بالله،

قال: ثمّ ماذا؟

قال: صلهٔ الرحم،

قال: ثمّ ماذا؟

قال: الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر،

قال: فقال الرجل: فاخبرنی أی الأعمال ابغض الی الله؟

قال: الشرک بالله،

قال: ثمّ ماذا؟

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۷

قال: قطیعهٔ الرحم،

قال: ثمّ ماذا؟

قال: الأمر بالمنکر والنّهی عن المعروف.[۱۷]

مردی ختعمی حضور پیغمبر خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم شرفیاب شد و پرسید که فاضل‌ترین مراتب اسلام چیست؟

حضرت فرمود: ایمان به خدا.

عرض کرد: پس از آن چیست؟

فرمود: صله رحم.

عرض کرد: پس از آن چه چیز است؟

فرمود: امر به معروف و نهی از منکر،

پس از آن سؤال نمود: چه عملی پیش خدا مبغوض‌ترین اعمال است؟

فرمود: شرک به خدا.

عرض کرد: پس از آن چیست؟

فرمود: قطع رحم.

پرسید: بعد از آن؟

فرمود: امر به منکر و نهی از معروف.

و از حضرت رسول الله صلّی الله علیه وآله وسلّم نقل نموده که فرمود:

«انّ الله عزّوجلّ لیبغض المؤمن الضعیف الذی لادین له، فقیل: وما المؤمن الضعیف الّذی لادین له؟»

قال: الّذی لاینهی عن المنکر.[۱۸]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۸

خداوند [با عزت و جلال دشمن می‌دارد مؤمن ضعیفی را که دینی برای او نیست. پس [به آن حضرت عرض شد: کیست مؤمن ضعیفی که دینی برای او نیست؟

فرمود: آن کس که نهی از منکر نمی‌کند.

و از حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام روایت نموده که فرمود:

«قال النّبی صلّی الله علیه وآله: «کیف بکم إذا فسدت نسائکم وفسق شبابکم ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر؟»

فقیل له: ویکون ذلک یا رسول الله؟

فقال: نعم وشرّ من ذلک، کیف بکم إذا امرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف؟

فقیل له: یا رسول الله ویکون ذلک؟

قال: نعم وشرّ من ذلک، کیف بکم إذا رأیتم المعروف منکراً والمنکر معروفاً؟[۱۹]

پیغمبر خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: چگونه خواهید بود زمانی که زنان شما فاسد و جوانان شما فاسق شوند و شما نه امر به معروف و نه نهی از منکر کنید.

پس [به ایشان عرض شد: یا رسول الله! آیا چنین چیزی خواهد بود؟

فرمود: [بلی و] بدتر از این خواهد شد؛ آن موقعی که به بدی امر کنید و از خوبی نهی نمایید.

پس عرض شد: آیا چنین چیزی می‌شود؟

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۲۹

فرمود: [آری و] بدتر از این [نیز] خواهد شد؛ آن هنگامی

که نیکی را بد و بدی را خوب ببینید.

و به نقل از شیخ مفید رضوان الله علیه، از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده که فرمود:

«من ترک انکار المنکر بقلبه ولسانه ویده فهو میّت بین الأحیاء.»[۲۰]

هر کس ترک کند انکار منکر را، به توسط دل و زبان و دستش، مرده‌ای است در میان زندگان! (ترک نهی از منکر نشانه مرگ و نیستی و فعل آن علامت حیات و زندگی است).

و به نقل از ابن ادریس علیه‌الرحمه از حضرت ابی جعفر علیه‌السلام روایت کرده که فرمود:

«قال: من مشی الی سلطان جائر فأمره بتقوی الله ووعظه وخوفه کان له مثل اجرالثّقلین الجنّ والإنس ومثل أعمالهم.»[۲۱]

هر کس برود به سوی پادشاه ستمکاری و او را امر به پرهیزکاری کند و پند دهد و بترساند، می‌باشد از برای او مثل اجر ثقلین جنّ و انس و مثل اجر عمل‌های ایشان.

و از شیخ الطائفه رضوان الله علیه نقل نموده که مرسلًا از حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وآله روایت شده که فرمود:

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۰

«لایزال امّتی بخیر ما امروا بالمعروف ونهوا عن المنکر

وتعاونوا علی البرّ، فإذا لم یفعلوا ذلک نزعت منهم البرکات وسلّط بعضهم علی بعض ولم یکن لهم ناصر فی الأرض ولا ـ فی

السماء»[۲۲]

[پیوسته امّت من کارشان خوب خواهد بود مادام که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر نیکی یاری و مساعدت کنند، پس وقتی که این کارها را انجام ندهند، برکت‌ها از ایشان گرفته می‌شود، و بعض ایشان بر بعضی مسلّط شوند و بر ایشان یاوری در آسمان و زمین نباشد.

و در نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت نموده است که در ضمن بیاناتی راجع به امر به معروف و نهی از منکر فرمود:

«وما أعمال البرّ کلّها وَالجهاد فی سَبیل الله عند الأمر بالمعروف والنهی عن المُنکر الّاکنفثة فی بحر لجی.»[۲۳]

تمام اعمال نیک و برّ و [حتی جهاد در راه خدا، در پیش امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر مانند قطره در پیش دریای بزرگی.

و علّامه قدّس سره در کتاب تذکرة الفقهاء از حضرت صادق علیه‌السلام روایت نموده است که فرمود:

«ما قدّست امّة لم تأخذ لضعیفها من قویها بحقّه

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۱

غیر مضیّع.»[۲۴]

پاکیزه و مقدس نشد امّتی که حق ضعیف خود را از قویش کامل و تمام نگرفت.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۲

وسایل امر به معروف و نهی از منکر

منظور از امر به معروف و نهی از منکر، سوق مردم به نیکوکاری و خودداری از کارهای زشت و منکرات و اعمال نظارت در اجرای حدود و مقررات است و چون به حسب موارد، اشخاص، امکنه و ازمنه برای این مقصود از وسایل مختلفه می‌شود استفاده کرد و نمی‌توان یک وسیله معینی را ذکر نمود، باید همه افراد به نوبه خود و درخور تمکّن و استعداد و وسایلی که در دسترس آنهاست این وظیفه را نصب العین قرار دهند. و آن کسانی که متمکّن از بذل مال هستند به وسیله صرف مال و انفاق، و آنهائی که قدرت نطق و خطابه دارند توسط سخنرانی‌ها، و اشخاصی که نویسنده و صاحب قلمند به وسیله انتشار رساله‌ها و کتاب‌ها و بیانیه‌ها و روزنامه و مجلّه و حتی نامه‌های خصوصی، و کسانی که نفوذ کلمه و ریاست دارند با استفاده از نفوذ و ریاست خود و به طور کلی کوچک و بزرگ از هر راه و وسیله صحیح و معقول و دنیاپسند، باید این مقصود عالی را تأمین نمایند.

در دنیای فعلی وسایل تبلیغ و انتشار آراء و عقاید و افکار، بسیار ترقّی کرده و یکی از بزرگ‌ترین ارکان زندگی اجتماعی گردیده است موضوع تبلیغات و انتشارت، مورد توجه عموم ملل قرار گرفته و روز به روز بر توسعه تشکیلات آن می‌افزایند؛ با تبلیغات می‌جنگند، تجارت و کسب

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۳

می‌کنند، استعمار می‌کنند، خراب می‌کنند، آباد می‌کنند، اخلاق را فاسد می‌کنند و یا سطح آداب و اخلاق و فرهنگ و تربیت را بالا می‌برند. هیچ وسیله‌ای برای نیل به مقاصد، آسان‌تر و مفیدتر از وسایل امروزی که جهان را مانند یک مجلس و یک اطاق درس

قرار داده نیست.

بیشتر مفاسد جامعه نتیجه‌ی انتشار اندیشه‌های زهرآگین و قلم‌های منحرف است. و تا وضع بعض مطبوعات و سخنرانی‌ها دوام داشته باشد، بازار فساد و خیانت و ستم رواج خواهد داشت؛ مقالات برانگیزنده احساسات شهوانی و داستان‌های عشقی و انتشار عکس زن‌های لخت و برهنه، جز دعوت به نابکاری و فساد معنی دیگری ندارد، و کسی هم نیست بپرسد آقای روزنامه نویس! چرا حیثیت روزنامه‌نگاری و قلم را به این پایه از ابتذال و رسوایی می‌رسانی؟ و با دشمنان اسلام و بیگانگان همکاری می کنی؟ و در بردن شرافت و عزّت و آبروی قوم خود کوشش می‌نمایی؟ چرا به جای مدافعه از حقوق مردم و تشویق آنان به تکمیل علوم و فرا گرفتن صنایع مفید و تهذیب اخلاق و ایجاد حس تعاون و همکاری و برادری، با نوشتن این مطالب مردم را از راه منحرف و از کاروان ترقی باز می‌داری؟

عیب مهم‌تر آنست که اینگونه مطبوعات و نویسندگان را بعض مقامات خارجی یا داخلی که به جز استعمار و نیل به منافع پلید مادی و اشغال میز ... یا کرسی ... نظری ندارند، تأیید و حمایت می‌نمایند و اگر هم مذاکره اصلاح قلم و بیان در میان آید بجای جلوگیری از این قلم‌های ناپاک، از مطبوعات آزادیخواه با ایمان و زبان‌های گویندگان صالح جلوگیری می‌شود

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۴

و آنها را که بلندگوی دشمنان اسلامند آزاد می گذارند تا هر چه می‌خواهند با دین، با استقلال، با اخلاق جوانان و دختران معصوم ما بنمایند و اینها را در فشار می گذارند تا از میدان بیرون روند.

در این مفاسد، بدبختانه اکثر برنامه‌های رادیو و موسیقی آن هم دست کمی از این قلم‌های مسموم ندارد، بلکه خطر آن برای فاسد ساختن جامعه و توسعه اخلاق زشت به مراتب بیشتر است. و یکی از بزرگ‌ترین واجبات، توجه اولیای خانواده‌ها به حفظ افراد عائله از این مفاسد و اصلاح همین وسایل انتشارات و تبلیغات است.

این حالِ یک قسم نشریات و مطبوعات است که به نام آشنا کردن مردم با تمدن جدید و مدنیت‌های زنده دنیا، به خرابی و پایین آوردن سطح بصیرت و بینش و معرفت و اخلاق و ترویج فساد و منکرات و کمک به اجانب مشغولند. در حالی که نه فقط مردم را به آداب حسنه و هزاران نعمت‌ها و سعادت‌هایی که ملل زنده و متمدن دنیا دارای آن هستند راهنمایی نمی کنند و به علوم و دانش‌های آنها آشنا نمی‌سازند، بلکه مقصود دشمنان اسلام را انجام داده مردم را دعوت به خیانت و وطن‌فروشی و بی‌غیرتی و اختلاف و نفاق کرده از راه انسانیت و اسلامیت منحرف می‌سازند.

یک قسم دیگر هم نشریات و کتاب‌هایی است که مدتی است در بسیاری از کشورهای شرق از طرف صاحبان مسلک‌ها و مذهب‌های تازه‌ای که هر روز اختراع می‌شود و با پول اجانب و سرمایه و تحریک بیگانگان اداره می‌شوند انتشار می‌یابد. در حقیقت همان‌هایی که آن دسته اول را اداره می‌کنند ارباب این طبقه هم هستند هر دو از یک فامیلند و هر دو نوکر و

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۵

کاسه لیس اجنبی. از قبیل این اشخاص را- که فاقد هر صلاحیت و شایستگی هستند و بجز زشتکاری و عیّاشی و حشر با سگ و خرس و رقص با فواحش و سرمایه‌داری افتخاری ندارند- برای راهزنی و ایجاد اختلاف و انداختن سنگ تفرقه در میان مسلمانان می گمارند.

حتی گاهی در گوشه و کنار، عناصر پلید و اشخاص کثیفی دیده می‌شوند که اگرچه خیلی فرومایه و حقیرند، ولی دشمنان اسلام همین‌ها را وسیله اجرای مقاصد خود قرار داده هر وقت بتوانند توسط آنان القای اختلاف می‌نمایند و برای نگاهداری اینگونه اشخاص و انتشار کُتب ضالّه که به نام آنها منتشر می‌شود و یک نفر هم خریدار ندارد، در سال مبالغ زیاد صرف می‌نمایند.

امّا خوشبختانه امروز بسیاری از مسلمین از این دسایس و تحریکات و سیاستها تا حدّی مطّلع شده و بیدار گشته‌اند و این مردم را

شناخته و کمتر کسی به این حرف‌ها توجه می‌کند. و هر چه مسلمانان با اصول اسلام و معارف دینی آشناتر می‌شوند از نتیجه سوء این تحریکات، بهتر بر کنار خواهند ماند. از این جهت هر کسی باید متوجه باشد که به نوشته‌ها و کتاب‌هایی که به نام دین و اسلام منتشر می‌شود، اگر خود اهل علم و اطلاع نیست بی‌مراجعه به علمای اعلام و اهل اطلاع، ترتیب اثر ندهد و آن را اصل و ملاک عمل قرار ندهد و به محض آنکه قسمتی از کتاب را با ذوق خود یا بعض موازین اسلامی موافق یافت، به آن عمل و اعتماد ننمایند؛ زیرا ممکن است یک کتاب مفصّل و یک سلسله مطالب صحیحه را برای یک اشتباه کاری که بعدها بزرگ می‌شود، بنویسند. و هم بسیاری از نویسندگان

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۶

با اینکه به عقیده خود خواسته‌اند خدمتی انجام دهند برای آنکه اطلاعات کافی از مبانی اسلام و احادیث و روایات و علوم دینی ندارند، دچار اشتباهات بسیار می‌شوند.

این موضوع را، چون خیلی با وضع این رساله ارتباط ندارد، بیشتر از این تعقیب نمی‌کنیم. فعلًا غرض این است که زبان و قلم مقام مهمی را در دنیا حائز هستند و برای امر به معروف و نهی از منکر بهترین وسیله بشمار می‌روند.

راجع به گفتن سخنان سودمند و مطالب نافعه به حال جامعه در دین مقدّس اسلام تأکید بسیار شده است؛ از جمله در کتاب وسایل الشیعه از سکونی نقل نموده که حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام فرموده:

«قال رسول الله صلّی الله علیه وآله وسلّم و الّذی نفسی بیده ما انفق من نفقهٔ أحبّ من قول الخیر.»[۲۵]

رسول خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود: سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست انفاق و صرف نکرده‌اند مردم چیزی را که محبوب‌تر باشد از قول خیر و گفتار نیک.

و همچنین از حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام روایت نموده است که فرمود:

«لایتکلّم الرّجل بکلمهٔ حقّ یؤخذ بها الاکان له مثل أجر مَن اخذ بها، ولا یتکلّم بکلمهٔ ضلال یؤخذ بها الّا کان علیه مثل وزر من أخذ بها.»[۲۶]

تکلّم نمی‌کند کسی به کلمه حقّی که به کار بسته شود

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۷

مگر آنکه می‌باشد از برای او مثل اجر کسی که آن را بکار می‌بندد و تکلّم نمی‌کند کسی به کلمه باطلی که به آن اخذ شود مگر آنکه می‌باشد بر گوینده آن مثل گناه کسی که به آن عمل نماید.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۸

فواید امر به معروف و نهی از منکر

هر کسی مطابق وسعت دایره اطلاعات و میزان معلوماتی که دارد، فوائد امر به معروف و نهی از منکر را دریافته و می‌فهمد. اگر بخواهیم همه ثمرات اخروی و دنیوی آن مانند: تقرّب به درگاه الهی، و آمرزش گناهان، و اجر و ثواب فراوان، نظارت در اجرای حدود و قوانین، حمایت از حقوق ضعفا و بینوایان، نگاهداری بیچارگان و افتادگان، تهذیب اخلاق و بسط و توسعه علم و فرهنگ، پیشرفت صنایع و اختراعات، تأسیس سازمان‌های خیریّه و عام المنفعه، عمران بلاد و شهرستان‌ها، تأمین عدالت اجتماعی و خدمات نوعی، نیکوکاری و احیاء حس تعاون و همکاری، سعی در قضای حوائج و انتظام امور کسب و معاملات، دادرسی به ستمدیدگان و

منع زمامداران و ارباب مناصب و مشاغل از تجبّر و ستمکاری و تضییع حقوق افراد و جلوگیری از فحشاء و منکرات و صدها فایده دیگر را در اینجا احصاء نموده، و در اطراف هر یک توضیحاتی بدهیم، از مقصود دور می‌شویم، لذا به ذکر قسمتی از حدیث شریفی که از حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام روایت شده قناعت می کنیم.

شیخ کلینی رضوان الله علیه در کتاب کافی در ضمن حدیثی از امام پنجم حضرت باقر العلوم علیه‌السلام روایت نموده است که فرمود:

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۳۹

«انّ الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر سبیل الأنبیاء، ومنهاج الصلحاء، فریضهٔ عظیمهٔ بها تقام الفرائض وتأمن المذاهب، وتحلّ المکاسب، وتردّ المظالم، وتعمّر الأرض وینتصف من الأعداء ویستقیم الأمر.»[۲۷]

امر به معروف و نهی از منکر، راه پیغمبران و طریقه روشن صلحا و شایستگان است. واجب بزرگی است که به سبب آن واجبات دیگر بپای داشته می‌شود و راه‌ها امن، و کسب‌ها حلال می گردد و اموال و حقوقی که به ستم و غصب گرفته شده به صاحبانش ردّ می‌شود و زمین، معمور و آباد می گردد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها راست و مستقیم می گردد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۰

ضررهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

حکومتِ عدالت در هر قوم و حصول نعمت امنیت و آسایش، و بالاخره سعادت افراد و اقوام، به میزان احترام آنها از حقّ و مواظبت آنان در حق‌گذاری است. اگر این صفت در میان مردم قوی و زنده باشد و همه قولا و عملًا از حقّ طرفداری و حمایت کنند، نه حقّ کسی پایمال می گردد، و نه از کسی کاری بر خلاف حقّ صادر می‌شود، و حق بر همه چیز و همه کس مقدّم می گردد.

در این جهت دین اسلام از آنچه لازمه تأکید است دریغ نفرموده و به مسلمانان دستور داده است که حق را بالاتر از هر چیز بدانند و در رعایت آن و حق‌گذاری و طرفداری از حقّ خدا را در نظر گرفته حتّی ملاحظه سود و زیان شخصی خود را هم ننمایند.

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

«قُلْ انْ کانَ آبائُکُمْ وَأَبْنائُکُمْ وَاخْوانُکُمْ وَازْواجُکُمْ وَعَشیرَتُکُمْ وَامْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَتِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسادَها وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها احَبَّ الَیْکُمْ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهِ وَجَهاد فی سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّی یَأْتِیَ اللهُ بِامْرِهِ وَاللهُ لایَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقینَ.»[۲۸]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۱

بگو اگر شما پدران، فرزندان، برادران، زنان، عشیره، دودمان و مال‌هایی که جمع و ذخیره نموده‌اید، و تجارتی که از کساد آن می‌ترسید و خانه‌هایی که اختیار کرده‌اید، آنها را بیشتر دوست دارید از خدا و پیغمبر او و جهاد در راه او، پس منتظر فرمان خدا، (یعنی عذاب او) باشید؛ و خداوند مردم فاسق را هدایت نمی‌کند.

در این آیه شریفه خداوند نسبت به کسانی که راجع به امور اجتماعی و ادای تکلیف و تحصیل خشنودی خدا و پیغمبر، بی‌قید و سهل‌انگاری می کنند و منافع شخصی دنیوی را بر مصالح نوعی و اخروی ترجیح می‌دهند، شدیدترین تهدیدات را فرموده است.

مراقبت در ادای وظیفه امر به معروف هم مربوط به همین حس احترام از حق و پشتیبانی از حق‌گذاران است. اگر حاکم بر قلوب و نفوس مردم «حق» باشد، نسبت به امر به معروف و نهی از منکر توجه و اعتنا خواهند داشت. و اگر از حاکمیت و نفوذ آن در قلوب

جامعه کاسته شود، به همان حدّ به شأن امر به معروف بی‌اعتنایی می‌شود. و هر گاه حق و عدالت در میان قومی مورد رعایت نباشد، از تمام فوایدی که در امر به معروف و نهی از منکر است بی‌نصیب و به ضدّ آن مبتلا شده، عوض حقّ، باطل، و به جای راستی و امانت، دروغ و خیانت، و عوض علم و معرفت، نادانی و جهالت، و به جای عدل و داد، ستم و بیدادگری، و عوض طهارت و عفّت و تقوا، ناپاکی و فسق و فجور رواج خواهد یافت.

اهل فساد و ستمکاری، گستاخ و بی‌شرم گردیده، همّت‌ها پست و رغبت‌ها در تحصیل علوم، کمالات و اعمال حسنه از میان می‌رود.

اهل خیر و نیکوکاری کم می‌شوند و در عوض، اشرار و ستمکاران بسیار

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۲

می‌گردند و- همانطور که در اخبار وعده داده شده، اشخاص نالایق و بَدمنش بر جامعه مسلط می‌شوند- و درهای برکت‌های آسمان و زمین مسدود و از معاشرت‌ها و کسب‌ها و عبادات و طاعات و مواعظ و پندها و کوشش‌ها، خیر و برکت برداشته خواهد شد.

بر چنین مردمی هر دشمنی غالب و به آسانی آنان را استعباد و استثمار نموده، حیثیت و قومیت آنها را پایمال هوس و منفعت خود می‌کند. چنین قومی به جای آنکه دیگران را استخدام کنند، مستخدم بیگانگان می‌شوند.

شاید بعضی گمان کنند که اگر در میان اهل معاصی خود را حفظ کنند، یا از حقوق خود دفاع نمایند، کفایت می‌کند و بیش از این مسئولیتی ندارند، و حال اینکه این اشخاص شرعاً و عقلًا مسئول‌اند.

در کتب اخبار به این مضمون رسیده است که خداوند به حضرت شعیب وحی فرمود: «از قوم تو صدهزار نفر را هلاک می‌کنم؛ چهل هزار از بَدان و اشرار ایشان و شصت هزار نفر از نیکان و اخیار آنها!

[شعیب عرض کرد: خدایا اشرار بجای خود عذاب می‌بینند، ولی اخیار به چه سبب هلاک می‌گردند؟

خطاب شد برای آنکه مداهنه نمودند با گناهکاران و برای غضب من غضب نکردند».[۲۹]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۳

آداب امر به معروف و نهی از منکر

مقصود از آداب، آن چیزهایی است که رعایت آنها در حصول غرض و گرفتن نتیجه، مؤثّر است مانند: لینت و نرمی کلام و اجتناب از درشتی و خشونت و استعمال الفاظ توهین‌آمیز و رعایت نزاکت و خوش خلقی و احترام اشخاص. مگر در مواردی که گرفتن نتیجه، بی‌خشونت و درشتی میسر نباشد.

مقصود از امر به معروف و نهی از منکر انجام یک وظیفه اخلاقی و نوع‌پروری است و به این جهت باید تا امکان دارد طوری ادای این وظیفه را نمود که باعث آزردگی و رنجش خاطر طرف نشود و او را در مقام لجاجت نیندازد.

چو کاری بر آید به لطف و خوشی چه حاجت به تندی و گردن‌کشی

خداوند به حضرت موسی و هارون که برای دعوت فرعون مأمورشان ساخت دستور داد که او را با کلام لیّن و نرم بخوانند:

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا)[۳۰]

در بحارالانوار از کتاب مصباح الشّریعه روایتی از پیغمبر اکرم نقل شده که فرمود:

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۴

امر کننده به معروف باید دانا به حلال و حرام باشد و از آنچه راجع به خود اوست فراغت یافته باشد نصیحت کننده مردم باشد. و با آنها مهربانی و مدارا نماید، با لطف و بیان خوش، آنان را دعوت کند. آگاه به تفاوت اخلاق مردم باشد تا با هر کسی مطابق اخلاق و عادات او رفتار کند. دانا به مکر نفس و مکاید شیطان باشد و در آنچه که از مردم به او می‌رسد از اذیت و ابتلا، صبر نماید و در مقام مکافات و تلافی برنیاید و از آنها شکایت نکند و آمرانه و حاکمانه امر به معروف ننماید و از برای خود، با کسی درشتی و خشونت نکند، بلکه با نیت پاک برای خدا امر به معروف کند و از او یاری بخواهد و اگر نافرمانی او را نمودند و جفا بر او روا داشتند، صبر نماید و اگر از او پذیرفتند از آنها تشکّر کند کار خود را به خدا واگذار کند و عیب خود را ببیند.[۳۱]

یکی از آدابی که رعایت آن بسیار لازم است این است که جز در مورد ضرورت عیب کسی را در پیش دیگران نگوید و تا ممکن است عیوب مردم را بپوشاند و آنها را در خلوت به عیبشان آگاه سازد.

یکی دیگر از آداب مهمّه این است که: امر کننده به معروف، تارک آن و نهی کننده از منکر، عامل به آن نباشد تا سخن او در دل‌ها اثر کند.

در نهج البلاغه از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

«من نصب نفسه للنّاس اماماً فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۵

بلسانه، ومعلّم نفسه ومؤدّبها أحقّ بالاجلال من معلّم النّاس ومؤدّبهم»[۳۲]

کسی که خود را پیشوای مردم قرار دهد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران مشغول شود خود را تعلیم دهد، و باید با رفتار خود به مردم ادب بیاموزد، پیش از آنکه با زبان آنها را ادب کند و کسی که خود را تعلیم می‌دهد و ادب می‌کند سزاوار است به احترام و تجلیل از کسی که تعلیم دهنده مردم و ادب‌آموز ایشان است.

و نیز در کتاب مذکور از آن حضرت نقل شده که فرمود:

«لعن الله الآمرین بالمعروف التّارکین له، والنّاهین عن المنکر العاملین به.»[۳۳]

خدا لعنت کند یا لعنت کرده است امرکنندگان به معروف را که ترک آن می‌کنند و نهی کنندگان از منکر را که عمل به آن می‌نمایند.

یکی از بزرگ‌ترین عوامل موفقیت پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله به شهادت تاریخ در کار هدایت مردم، ایمان محکم و پایدار آن حضرت به آنچه از طرف خدا بر او وحی می‌گردید بود[۳۴] که می‌فرمود:

اگر آفتاب را در دست راستم و ماه را در دست چپم گذارند که از دعوتم دست بردارم، نمی‌پذیرم.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۶

در تمام تعالیم اسلامی، خود آن بزرگوار و اهل‌بیتش پیشقدم بودند و رفتار و اخلاق آن حضرت مردم را شیفته و دلباخته اسلام می‌ساخت.

آن کس که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و خود به خلاف گفته خود رفتار می‌نماید، نتیجه مهمّی نخواهد گرفت و زحماتش بیشتر به هدر می‌رود.

و غیر تقی یأمر النّاس بالتّقی‌طبیب یداوی النّاس وهو مریض ۳۵]

و

خشک ابری که بود ز آب تهی‌ناید از او صفت آب دهی ۳۶]

در قرآن مجید راجع به حضرت شعیب پیغمبر علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام آمده است که به قوم خویش می‌فرمود:

(وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ)[۳۷]

معنی آیه شریفه بنا بر بعض تفاسیر، این است که حضرت شعیب علیه‌السلام می‌فرمود:

من نمی‌خواهم شما را به آنچه از آن نهی می‌کنم مخالفت نمایم.

و در سوره‌ی فصلت می‌فرماید:

(وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ)[۳۸]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۷

چه کسی قول و گفته‌اش بهتر است از آنکه می‌خواند به سوی خدا و عمل صالح و گوید من از مسلمینم.

و از کسانی که به موعظه و دعوت خود عمل نمی‌کنند خداوند متعال آنان را مذمّت نموده و می‌فرماید:

(أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ)[۳۹]

آیا امر می‌کنید مردم را به برّ و نیکی، و خود را فراموش می‌نمایید.

با اینکه این مطالب را باید کاملًا در نظر گرفت، امّا کسی هم حق ندارد که از امر به معروف به اسم اینکه من خود به آن عمل نمی‌کنم خودداری نماید؛ زیرا امر به معروف تکلیفی است که مستقلًا در عهده انسان است و باید آن را ادا نماید.

در اخبار رسیده است که:

«مرّوا بالمعروف وان لم تعلموا به کلّه»[۴۰]

و همچنین کسی حقّ ندارد از شنیدن مواعظ و نصایح به این دلیل که گوینده و واعظ، عمل به گفته خود نمی‌کند و کردارش را مانند گفتار نساخته، سر بتابد و به اعتراض پردازد، زیرا در پیشگاه شرع و وجدان، این عذر از او پذیرفته نیست.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده که فرمود:

«خُذِ الْحِكْمَةَ انّی کانَتْ فَانَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فی صَدْرِ

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۸

الْمُنافِقِ فَتَلَجْلَجُ فی صَدْرِهِ حَتّی تَخْرُجَ فَتَسْكُنَ الی صَواحِبِها فی صَدْرِ الْمُؤْمِنِ»[۴۱]

حکمت را هر جا که باشد فراگیر پس به درستی که حکمت می‌باشد در سینه‌ی منافق پس مضطرب می‌شود در سینه او، و آرام می‌گیرد در دل مؤمن که صاحب آن است.

مرد باید که گیرد اندر گوش‌ور نوشته است پند بر دیوار

باطل است آنچه مدّعی گویدخفته را خفته کی کند بیدار

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۴۹

خلوص در امر به معروف و نهی از منکر

اخلاص و نیّت بی‌شائبه، روح هر عمل خیر و کار نیک است و هر چه خلوص نیّت بیشتر باشد درجه عمل بلندتر خواهد بود. و چون مقصود از امر به معروف و نهی از منکر اصلاح، هدایت و اجرای حدود و حمایت از حقوق ضعفا و فقرا و تهذیب اخلاق و ترویج ملکات فاضله و پارسایی و پرهیزکاری است، باید کسانی که برای اصلاح و راهنمایی و تکمیل جامعه اقدام می‌نمایند همواره این جهت را فراموش نکرده برای تحصیل رضای خدا بگویند، و برای خدا بنویسند، و برای خدا دعوت کنند، و از روی کمال محبت و مهربانی و دلسوزی و عشق و علاقه، افرادی را که در اثر طغیان آتش شهوات و یا جهل و نادانی و یا خشم و غضب و جهات دیگر، آلوده به معاصی و خطا می‌شوند، راهنمایی نمایند.

اگر کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند از این کار مقاصد دیگر داشته باشند مثل آن‌که بخواهند آن را وسیله نیل به مقام و رتبه و جاه و مال دنیا قرار دهند، علاوه بر آنکه غالباً از این مقاصد محروم می‌شوند، زحمات دیگران را هم بی‌اثر می‌سازند.

و برعکس اگر نیت‌ها خالص گردید، اقدامات، با برکت و مفید خواهد شد. کسانی که نیتشان خیر و صلاح باشد در انجام وظیفه کوتاهی نکرده با کمال قوّت و قدرت به

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۰

تکلیف خود رفتار و به وظیفه خود عمل می‌کنند. چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده است که فرمود:

«مَنْ احَدَّ سِنانَ الْغَضَبِ لِلّهِ قَوِیَ عَلی قَتْلِ اشِدّاءِ الْباطِلِ»[۴۲]

کسی که سنان خشم را برای خدا تیز نمود، قوی می‌گردد بر کشتن کسانی که شدّت در پیروی از باطل دارند.

دین اسلام در خصوص پاکی نیت و اخلاق در اعمال صالحه و کارهای نیک، سفارش بسیار نموده و مهم‌ترین ملاک خوبی عمل را خلوص نیت شمرده است، چنانچه از پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم نقل شده که فرمود:

«انَّمَا الأعْمالُ بِالنّیات»[۴۳]

در قرآن مجید در آیات بسیار، مردم را دعوت می‌کند که در قیام‌ها و نهضت‌ها و در انفاقات و عبادات و در همه‌ی اقوال و افعال فقط رضای خدا را بخواهند. در سوره‌ی انعام می‌فرماید:

«قُلْ انَّ صَلوتی وَ نُسُکی وَ مَحْیای وَ مَماتی لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ»[۴۴]

بگو به درستی که نماز من و قربانی من و زندگی و مرگم برای خدایی است که پروردگار عالمیان است.

و در مقابل، با ریا و ریاکاران و کسانی که اعمال صالحه و دین و ایمان را

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۱

وسیله رسیدن به مقامات و مناصب دنیوی و مال و جاه قرار می‌دهند، به شدّت مبارزه کرده است حتّی آن را در حدّ شرک به خدا قرار داده‌اند. پس کسی که می‌خواهد در امر به معروف و نهی از منکر موفق شود باید صدق نیت و اخلاص را عامل مؤثر حصول مقصود بداند و آن را وسیله اعمال غرض‌های شخصی و خدای نخواسته اهانت به بندگان خدا قرار ندهد و بداند که خداوند از راز دل او هم آگاه است:

(یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ)[۴۵]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۲

چه کسی باید امر به معروف و نهی از منکر نماید؟

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر وظیفه اشخاص یا طبقه‌ی معینی نیست، با حصول شرائط، هر کسی بایـد این وظیفه را انجام دهد دین اسـلام در این خصوص نه تنها همه افراد را آزاد گذارده و به هر مسـلمانی اجازه می‌دهد که در اجرای مقررات اسلامی نظارت کند و دیگران را در ترک وظیفه مؤاخـذه نمایـد، بلکه بر همه افراد واجب نموده که به نیکی امر و از بـدی نهی نمایند و همه را در ادای این تکلیف مسئول می‌شمارد، چنانکه از پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله روایت شده است که فرمود:

«کلّکُم راعٍ وکلّکم مسئولٌ عن رعیّته»[۴۶]

همه شما راعی هستید و همگی از رعیّت خود مسئولید.

و شاید به همین ملاحظه باشد که در قرآن مجید راجع به وصیّت به حق و وصیت به صبر صیغه‌ی تفاعل آورده شده است:

(وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ)[۴۷]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۳

ویژگی‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر

بلی، البته کسـی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید دارای صـلاحیت اخلاقی و علمی باشد، یعنی حال تحمل و بردباری و صبر داشـته باشـد و به خوبی کاری که به آن امر می‌کند و زشتی آنچه از آن نهی می‌نماید عالم و دانا باشد، ولی مقصود این اسـت که این وظیفه فقط در عهـده‌ی طبقه و جمعیت خاصّی ماننـد علما و روحانیون نیست، بلکه هر کسـی با تحقّق شـرایطی که بعداً- ان شاءالله تعالی- ذکر خواهد شد مکلّف است در اصـلاح جامعه و امر به معروف و نهی از منکر جدیت و کوشـش داشته باشد و منتظر اقـدام دیگران نباشـد، زیرا به طوری که از آیات شـریف و احادیث و اخبار، اسـتفاده می‌شود امر به معروف بر عهـده عموم گـذارده شده و هر مسلمانی با تحقّق شرایط، در ترک آن مسئول است.

و از اینجـا معلوم می‌گردد که آن کسـانی که در امر به معروف و تکـالیفی که از این قبیـل است کوتـاهی نموده و به انتظـار نتیجه‌ی اقدام علما می‌نشـینند و خود را معاف می‌شـمارند، و یا اشخاصی که صرفاً به اهل علم اعتراض می‌نمایند که در امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغـات و نشـر آیـات و احـادیث و مبارزه با فقر معنوی و انحطاط اخلاقی و دعوت مردم به حقایق و سوق آنان به اخلاق فاضـله اسلامی و هدایت جامعه کوتاهی دارند اشتباه می‌کنند؛ زیرا اولًا- چنانچه گفتیم- امر به معروف یکی از تکالیفی است که هر مسـلمانی از عـالم و ناطق، واعظ و نویسـنده، کاسب و کارمنـد، کارگر و کشاورز، غنی و فقیر، شاه و گـدا بایـد آن را انجام دهـد و هیچ‌کس نباید به انتظار دیگران باشد مگر آن‌که بعضی از شرایطی که بعداً ذکر می‌شود

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۴

موجود نباشـد. و ثانیاً در میان تمام طبقات که بعضـی از آنها شایـد اصـلًا توجهی به این وظیفه نکنند، یا اگر توجه داشـته باشـند عده

آنهـا بسـیار کم است. بـاز هم این طبقه، یعنی طبقه علمـای اعلاـم و گوینـدگان و نویسـندگان مـذهبی بـا موانـع بسیار و مزاحمـات بیشماری که دارند بیش از سایر طبقات در امر به معروف و هدایت جامعه اهتمام دارند و باید این مقدار از آثار اسلامی و اخلاقی را که در میان جامعه است نتیجه اقـدامات و زحمات و تألیفات و تصـنیفات و تبلیغات همین آقایان دانست. در تمام نواحی از شـهرهای بزرگ تا قصـبات و قراء کوچک دورافتاده هر چه دعوت به حق پرستی و درستی و پاکـدامنی و دیانت و صداقت و صـلح و صـفا و سایر ملکات فاضله می‌شود، از ناحیه همین طبقه است.

صحیـح است که در دنیای کنونی و وضع انحطاط اخلاقیات و در مقابل این همه مظاهر عالم ماده و ظواهر فریبنـده، بایـد بیش از هر موقع مردم را به طرف حقـایق خوانـد و از این صورت‌سازی‌هـا و ظاهربازی‌هـا منصـرف ساخت. و صـحیح است که امروزه دشـمنان اسـلام بـا انواع وسایـل تبلیغـاتی خویش و اعمـال دسیسه‌های گونـاگون در بی‌ثمر ساختن زحمات علما و کساد کردن بازار علوم و معارف اسلامی و دور نگهداشتن مردم از علما، کمال جدّیت را دارند، اما به همین علت و علل دیگر همراهی و همکاری دیگران با اهل علم بیش از هر موقع ضرورت دارد.

امروز اگر چه در اثر بی‌اعتنایی ما مسـلمانان به قول بعضـی: روحانیت ما به حسب ظاهر دارای یک سازمان و تشکیلات مرتبی نیست و فاقد بسیاری از وسایل و اسباب ظاهری است، ولی از هر تشکیلات مرتب و منظمی که در

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۵

این جـامعه وجود دارد بهـتر انجـام وظیفه می‌کنـد و بیشتر به مردم خـدمت می‌نمایـد. کارهـایی را که بعضـی مردم فـداکار و مراجع بزرگ این طـایفه انجـام می‌دهنـد در دنیـای امروز بـا تأسیس وزارتخانه‌هـای عریض و وسیع و مخارج زیاد، نمی‌توان اداره کرد. تا کسـی وارد نباشد و اطلاع کامل نداشته باشد نمی‌تواند بفهمد که ابتلائات فکری و مشاغل یک نفر عالم دینی که باید همه کارهای خود را با حساب و میزان صـحیح و دقیق شرع مطابق نماید، چقدر زیاد است و یک نفر مرجع تقلیدی که باید حوائج دینی میلیون‌ها مردم را مرتفع سازد تا چه حـدّ در فشار و زحمت است. باید لااقل در روز دو مجلس تدریس که در آن علما و دانشـمندان بزرگ و جمـع کـثیری از فضـلا و طلّـاب حاضـر می‌شونـد داشـته باشـد که خـود این کـار (که محتـاج به مطـالعه و فکر و مراجعه به آیـات و کتاب‌هـای اخبار و احادیث و کتب فقهیه و نظریات علما و دانشـمندان بزرگ و دقت و تأمّل کافی در اطراف آن است) برای گرفتن همه اوقـات شـخص- اگر بخواهـد به طور عادی و متعارف کار نمایـد- کافی است و یکی از کارهای بسـیار دشوار و خسـته کننـده بشمار می‌رود.

بایـد به سؤالات و اسـتفتائات مختلفه‌ای که از طرف این همه مردم مسـلمان می‌شود و هر یـک در یک موضوع و راجع به یک باب است جـواب بدهـد که برای تحصـیل اطمینـان و مواظبت در صـحت بیـان حکم خـدا و آنکه مبـادا برخلاـف واقع چیزی گفته شود، ممکن است در یک شبانه‌روز محتاج مراجعه به جمیع ابواب فقه و بسیاری از کُتب اخبار و احادیث و غیره گردد.

باید نامه‌ها و تلگراف‌های بسیاری را که در موضوعات مختلف مذهبی و

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۶

دینی هر روز از بلاد و شهرستان‌های کشورهای اسلامی می‌رسد شخصاً بخواند و درباره آنها دستور لازم بدهد.

بایـد در جهـات راجع به تعظیم شـعائر اسـلامی و حفظ شـئون دینی و جلوگیری از مـداخله نااهلان و رفع شـکوک و شـبهاتی که از طرف معاندین برای مشوش ساختن اذهان، القاء می‌شود همواره مراقبت و مواظبت کند.

بایـد اداره حوزه علمیه و رفع حوایـج طلّـاب را تکفّـل نمایـد بـا اینکه در وضـعیت کنونی و عـدم توجه کامل عامّه مردم، از کارهای خیلی دشوار و موجب ناراحتی فکر و خیال است، زیرا فراهم ساختن وجه و رسانیدن کمک مختصر معاش به آقایان طلّاب که اغلب با فراهم بودن وسـیله از لذایذ مادی چشم پوشـی نموده و به یک زندگی و معاش بسیار مختصر و محدود قناعت نموده‌اند مخصوصاً

در این دوره ما، کار آسانی نیست. و برای یک نفر زمامـدار عالیمقام روحانی که بایـد یک حوزه سه هزار نفری، بلکه چندین حوزه علمیه را به کـار و تحصـیل مشـغول سازد و آنها را تشویق و ترغیب نموده و موانع ترقّی آنها را مرتفع سازد بسـیار فکر و غصه تولید می کند.

بایـد کارهای دیگری را- که اکنون در مقام تعـداد آنها نیستیم- مانند ملاقات‌ها و پذیرفتن اشـخاص از هر طبقه و رفع حوایج ارباب احتیاج و غیره را هم انجام دهد.

تمام این کارها را یک نفر مرجع تقلید، انجام می‌دهد و خواب راحت را از خود سلب می کند تا به اسلام خدمت کند و مردم را به راه خدا بدارد و حضـرت بقیهٔ الله ولی عصـر عجّل الله تعالی فرجه الشّـریف را از خود خشـنود سازد که حقیقتاً اگر کمک و مدد آن حضرت نباشد انجام این امور غیر مقدور است.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۷

و از همه این امور دشوارتر برای یک نفر مرجع، لطمات و صدماتی است که از طرف معاندین و مخربین به اسـلام و جامعه مسـلمین وارد می‌شود که باید در مقام دفع و رفع برآید.

نه فقـط یـک نفر مرجع اینطور است، سـایر علمـای شهرسـتان‌ها و نـاطقین و مبلّغین و حتّی یـک آخونـد ده کوچـک به حسب خود وظایفی را انجام می‌دهد و یک عمر با صـحّت عمل و درستی، خدمتگذاری می کند که کسان دیگر با حقوق و مواجب بسـیار انجام نمی‌دهند.

باری، غرض این است که این آقایانی که به اهل علم اعتراض دارنـد و آنها را در امر به معروف مسامحه کار می‌داننـد و منتظرند که بـدون همکـاری آنهـا اهل علم نتایـج مهمی از اقـدامات خود بگیرنـد، در اشـتباهند. اینها خودشان آنقـدر مضایقه دارنـد که از یک معصـیت‌های بی‌لذت مانند تراشـیدن ریش و یا انگشتر طلا در دست کردن (برای مرد) و یا استعمال ظروف طلا و نقره، چشم پوشی نمی کنند، آن وقت به این و آن اعتراض دارند و غصه اسلام و مسلمانی را می‌خورند.

البته نمی‌خواهم عرض کنم که کسی حقّ اعتراض به اهل علم را ندارد، زیرا این فصل را برای همین جهت باز کردیم که معلوم شود هر کس حقّ امر به معروف دارد. و در فصل آینده معلوم می‌شود که همه کس را از عالم و جاهل باید امر به معروف و نهی از منکر کرد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۸

چه کسی را باید امر به معروف و نهی از منکر نمود؟

اشاره

اجرای امر به معروف و نهی از منکر را نباید درباره بعضـی اشـخاص یا طبقات، موقوف ساخت. و فقط در حق ضـعفا و طبقات پایین اجتمـاع معمول داشت؛ زیرا معنی این حرف آزاد گـذاردن و مطلق العنـان سـاختن اقویـا و صاحبان نفوذ در نیل به مطامع شخصـیه و مقاصد نفسانیه و تجاوز و ستم در حق زیردستان و بیچارگان است. و مفسده آن اگر از مفسده مطلق العنانی عموم بیشتر نباشد از آن کمتر نیست، لـذا دین مقـدس اسـلام به هر کس اجازه داده است که امر به معروف و نهی از منکر نمایـد و در آن رعایت مناصب و مراتب ظاهریه و امتیازات و افتخارات خیالی را لغو نموده است.

مرئوس نسـبت به رئیس، سرباز نسبت به سرلشکر، مأمور نسبت به امیر، فقیر نسبت به غنی، کوچک نسبت به بزرگ، رعیت نسبت به

پادشاه حق دارد که امر به معروف نماید و ادای تکالیف و اطاعت از دستورات و قوانین را مطالبه نماید مگر آنکه بر آن مفسده مترتّب شود یا شرایط دیگری که در احکام و مسایل امر به معروف یاد خواهیم کرد موجود نباشد که در آن صورت خودداری از امر به معروف جایز و بلکه در بعض موارد واجب است.

در تواریخ اسلامی مکرر به مواردی بر می‌خوریم که می‌بینیم افراد عادی، رجال و امرا و پادشاهان را امر به معروف و نصیحت می‌نمودند و آنان هم

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۵۹

با کمال مسرت می‌پذیرفتند. و در بسیاری از مواقع به طوری با شدت آنها را موعظه می‌کردند و از کارهای زشت باز می‌داشتند که فرد، غرق تأثّر و گریه می‌گردید و در عین حال آن را یک امر عادی و معمولی تلقی می‌نمودند و کسی آن را اهانت و بی‌ادبی به مقام آنها نمی‌شمرد و بلکه آن را فاضل‌ترین مجاهدات می‌شناختند.

از حضرت رسول صلّی الله علیه وآله نقل شده که فرمود:

«أفْضَلُ الْجِهاد كَلِمَةُ عَدْل عِنْدَ امام جائِر»[۴۸]

برترین جهادها سخن حقّ و عدالتی است که در نزد پیشوای ستمکاری گفته شود.

نیز از آن حضرت منقول است که فرمود:

«خَيْرُ اخْوانكُم مَنْ اهْدى الَيْكُم عُيُوبكُمْ»[۴۹]

بهترین برادر دینی شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه بدهد.

در کتاب وسایل الشیعه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود:

«قال أميرالمؤمنين عليه‌السلام: انّ الله لايعذّب العامّة بذنب الخاصّة، اذا عملت الخاصّة بالمنكر سرّاً من غير ان تعلم العامّة فاذا عملت الخاصّة بالمنكر جهاراً فلم تغيّر ذلك العامّة استوجب الفريقان العقوبة من الله عزّوجلّ»[۵۰]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۰

فرمود امیرالمؤمنین علیه‌السلام که: خداوند عامّه مردم را به گناهانی که خواص و سران جامعه و زمامداران امور و مصادر کارها در پنهان و مخفیانه مرتکب می‌شوند، عذاب نمی‌کند اما اگر سران و بزرگان جامعه و خواص قومی، پرده محرمات را پاره کردند و علناً مرتکب معاصی شوند و عامّه از آنها جلوگیری ننمودند (البته با تمکّن و قدرت) هر دو گروه مستوجب عقاب خدا می‌شوند.

لزوم همکاری در امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یکی از تکالیف اجتماعی است که در بعض موارد با همت و اقدام یک نفر انجام می‌پذیرد و در بعض مواقع، موقوف به قیام چند نفر، بلکه محتاج به اقدام و همکاری یک جمعیت و امّت است. پس نمی‌توان اقدام یک نفر را در همه موارد کافی شمرد و از دیگران تکلیف را ساقط دانست؛ زیرا اوّلا: همکاری و هم‌صدا شدن دیگران با آن کس که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، باعث کمال تأثیر و حصول مقصود است. اگر هزار نفر در یک موضوع موافق یکدیگر اظهار نظر کنند از حیث اثر با نظری که یک نفر اظهار نماید یکسان نیست.

و ثانیاً: بیانات اشخاص و طرز ادای مطالب و سلیقه‌هایی که در این موارد اعمال می‌شود در تأثیر، تفاوت دارد. بسیار اتفاق افتاده که شخصی از مواعظ و نصایح طولانی یک نفر متنبّه نشده، ولی با یک کلمه که از دیگری شنیده فوراً متنبّه و بیدار گردیده است.

و ثالثاً: در مورد بعضی از منکرات که میان جامعه رایج می‌شود یا بعضی از فرایض و واجباتی که ترک آن متداول می‌گردد و

همچنین نسبت به

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۱

بعض اشخاص که بایـد امر به معروف و نهی از منکر شونـد، جز با کمک و همکاری افراد و هم‌صدا شدن جمعیت بسیار، موفقیت حاصل نمی‌شود، لذا حضرت موسی علیه‌السلام وقتی مأمور به دعوت فرعون گردید از خدا درخواست نمود که برادرش را در کار رسالت و پیغمبری با او شریک سازد و خداوند درخواست او را پذیرفت و به خطاب

(قَدْ اوتیتَ سُؤْلَکَ یا مُوسی)[۵۱]

مشرفش ساخت.

و همچنین حضرت عیسی علیه‌السلام برای کمک و یاری دو نفری که برای تبلیغ به انطاکیه فرستاده بود و تکذیبشان کردند، شخص دیگری را روانه ساخت چنانچه در قرآن کریم می‌فرماید:

(فَعَزّزنا بِثالِثٍ)[۵۲]

مخصوصاً همراهی و همکاری کسانی که در میان جامعه دارای شخصیت و وزن علمی و مقام و نفوذ هستند در پیشرفت مقصد مشروع آمر به معروف و ناهی از منکر دخالت بسیار دارد؛ زیرا مرتکبین معاصی وقتی ببینند جامعه به آنها با دیده تنفّر نگاه می کند و کار آنها را زشت و خلاف شرافت و انسانیت تشخیص می‌دهد، یا کسانی که دارای مقامات و یا اطلاعات و معلوماتی هستند عمل او را تقبیح می‌نمایند، بیشتر راه منحرفی را که در پیش گرفته‌اند ترک می کنند.

تاریخ پیغمبران و اولیاء و رجال مصلح به ما نشان می‌دهد که هر چه

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۲

همکار و هم‌آواز آنها بیشتر می‌شد، موفقیت آنها در کار تبلیغ و رساندن احکام و هدایت و ارشاد سریع‌تر می گردید.

شایـد علت آنکه در آیه شریفه از امر کننـدگان به معروف و نهی کنندگان از منکر و دعوت کننده به سوی خیر، تعبیر به امّت شده است:

(وَلْتَکُن مِّنکُمْ أُمَّةٌ یَدْعُونَ إِلَی الْخَیْرِ)[۵۳]

اشاره به همین نکته باشد؛ زیرا مراد از «امت»، قومی هستند که برای یک کار اجتماع داشته باشند و دارای یک هدف و یک منظور خاصی بوده، بعض آنها به بعض دیگر اقتدا نماینـد، برخلاف لفظ «قوم» که این معنی از آن استفاده نمی‌شود و شایـد وجه تعبیر به امّت در آیه کریمه:

(وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ یَعْدِلُونَ)[۵۴]

هم همین باشد.

پس تأثیر امر بـه معروف و نهی از منکر، غالباً محتاج بـه همکـاری و تعاون است. اگر چنـانچه آمرین به معروف را تنهـا گذارنـد، موفقیت لازم به دست نخواهد آمد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۳

بزرگان جامعه و امر به معروف و نهی از منکر

کارهایی را که بشر برای رسیدن به نتایجی انجام می‌دهد یا از کارهایی است که شخصیت فاعل و انجام دهنده در رسیدن به نتیجه، دخالتی نـدارد و هر کس آن کار را انجام دهـد به آن نتیجه نایل می‌شود، و یا از کارهایی است که شخصـیت فاعل و انجام دهنـده، در حصول نتیجه یا کمال آن مؤثّر و دخیل است؛ مانند امر به معروف و نهی از منکر که شخصیت اشخاص و تعینات آنها در حصول کمال موفقیت و تمامیت فایده و نتیجه آن بسیار مؤثّر است.

اگر مالک یک ده کشاورزان ده، یا صاحب یک کارخانه، کارگران کارخانه و یا یک عالم روحانی و یک شـخص متنفذ در محیط نفوذ خود، یا یک رئیس اداره، کارمندان اداره و یک افسر، نفراتی را که تحت سرپرستی او هستند و یا یک نفر رئیس دولت، بلکه بالاتر، یک نفر پادشاه تمام افراد کشوری را که بر آنها پادشاهی می‌کند امر به معروف و نهی از منکر نموده دعوت به خیر و اصلاح و درستی نمایـد بـا امر به معروفی که یـک فرد عادی می‌نمایـد از حیث اثر تفاوت بسیار دارد به هر قـدر که یک کارگر کارخانه با رئیس آن و یـک رعیّت ده با مالک ده، یک نفر سـرباز با یک سپهبد و یک فرد عادی با یک عالم عالیمقام روحانی متنفّـذ و یک پادشاه مقتدر، به حسب ظاهر فرق دارند،

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۴

به همان اندازه تأثیر کلام و نفوذ کلمه آنان در دل‌ها فرق می‌کند.

مردم اگرچه دارای عقل و ذکاوت‌انـد و می‌تواننـد خوبی و بـدی هر چیزی را تشـخیص دهنـد، اما بیشتر مقهور امور حسّـی و تسـلیم مظـاهر مـادی و افتخـارات و اعتبـارات ظـاهری این و آن هسـتند و بیشتر به بزرگان و سـران جامعه نگاه می‌کننـد. اخلاق و عادات و کارهای یک ملت زیادتر موافق اخلاق و عادات و روش بزرگان و زمامـداران و رؤسای قوم است در هر جامعه فساد از بالا شـروع و به طبقات پایین می‌رسد: «ماهی از سر گنده گردد نی ز دُم».

وقتی فسـاد و اختلال و تجـاوز از قوانین و نابکـاری و فحشـا در میـان بزرگـان ملت و زمامـداران رایـج شـد، دیگران هم به راه آنها می‌روند و از روش آنها سرمشق می‌گیرند.

چونکه ربّ البیت دف گیرد به کف‌بیت و مافی البیت رقاصی کنند

بـدبخت‌ترین مردم آن کسانی هسـتند که فسّاق و فجّار و نابکاران و سـتمکاران بر آنها فرمانروا باشـند. از پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم مروی است که فرمود:

«اذا ساد القوم فاسقهم وکان زعیم القوم اذلّهم واکرم الرّجل الفاسق فلینظر البلاء»[۵۵]

هرگـاه فـاسق قوم، بزرگی و آقایی یافت و فرومایه‌ترین ایشان، زمامـدار و سـرپرست گردیـد و نابکاران، مورد اکرام و احترام شـدند پس باید آن جامعه منتظر بلا شود.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۵

از این جهـات بایـد بزرگـان قوم و مصـادر کارهـا و صاحبان قـدرت و نفوذ و به طور کلی هر کس که دیگری از کار او تقلیـد و از سخن او پیروی می‌نمایـد، اولًا در تعـدیل روش خود اهتمـام نموده سـرمشق ایمـان و امـانت و درسـتکاری و حیا، عفت و عـدالت و نوع‌پروری برای دیگران گردند.

و ثانیـاً: در امر به معروف مسـامحه ننموده و از تمـام وسـایلی که دارنـد برای اصـلاح امور و ترویـج اعمال صالحه و ریشه‌کن کردن معاصـی و فساد اسـتفاده نموده، زیردسـتان خود را راهنمایی کنند. ولی در عین حال زیردسـتان هم نباید مسامحه زبردسـتان و ارباب مکنت و قـدرت را عـذر خود شـمرده در امر به معروف و نهی از منکر به انتظـار آنها بنشـینند؛ زیرا غالب این طبقه به نوعی سـرگرم امور مادی و دنیا هستند که از انجام تکالیف غفلت دارند.

در آیات قرآنی و اخبار و احادیث شریفه یکی از بزرگ‌ترین عوامل اصلاح همه شئون اجتماعی و رواج اخلاق و اعمال حسنه، صلاحیت بزرگان و زعما شمرده شده است که فعلًا از ذکر همه آن اخبار و احادیث به واسطه کمی فرصت و ضیق مجال، معذوریم و فقط به نقل مفاد روایتی که در بحارالأنوار از کتاب تحف العقول روایت نموده است از حضرت امیرالمؤمنین و از حضرت سیّدالشهداء علیهماالسّلام- که به طوری که از مضامین روایت استفاده می‌شود مخاطب امام علیه‌السلام بزرگان و رجال اسلامی بوده‌اند- اکتفا می کنیم:

ای مردم! عبرت بگیرید به چیزی که خداوند اولیای خود را به آن وعظ نموده و آن سرزنش و توبیخ اوست نسبت به احبار یهود و نصاری که فرمود:

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۶

(لَوْلَا یَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِیُّونَ وَالأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الإِثْمَ)[۵۶]

چرا نهی نمی‌کنند ایشان را، یعنی اهل کتاب را احبار و دانشمندان آنها از سخن گناه و ناروا.

و فرمود:

(لُعِنَ الَّذِینَ کَفَرُواْ مِن بَنِی إِسْرَائِیلَ عَلَی لِسَانِ دَاوُودَ وَعِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ ذَلِکَ بِمَا عَصَوا وَّکَانُواْ یَعْتَدُونَ)[۵۷]

«آن کسانی که کافر شدند از بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعن شدند برای آنکه مرتکب عصیان و تجاوز گردیدند و از کار زشت یکدیگر را باز نداشتند و هر آینه بد بود کارهایی که مرتکب می‌شدند.»

خدا آنها را به عیب نسبت نداد مگر برای آنکه از ظلمه و ستمکاران کارهای زشت و فساد و منکرات را می‌دیدند و آنها را برای رغبتی که به دنیایشان داشتند و منافعی که از آنها می‌بردند و رعب و بیم نهی از منکر نمی کردند و حال آنکه خداوند می‌فرماید:

(فَلَا تَخْشَوُاْ النَّاسَ وَاخْشَوْنِ)[۵۸]

از مردم نترسید و از من بترسید.

و هم فرموده‌ی خداست که:

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیَاء بَعْضٍ یَأْمُرُونَ

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۷

بِالْمَعْرُوفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنکَرِ)[۵۹]

مؤمنین و مؤمنات یاوران و اولیاء یکدیگرند امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

خدا از آن جهت امر به معروف و نهی از منکر را نخست نام برد که اگر این فریضه ادا شد، همه واجبات کوچک و بزرگ آسان و دشوار بر پا می‌شوند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام و ردّ مظالم و مخالفت با ستمکاران است با آن فیء و غنیمت‌ها عادلانه تقسیم می گردد و صدقات و مالیات‌های اسلامی از موارد معینه گرفته می‌شود و در موارد لازمه صرف و خرج می گردد و از حیف و میل بیت المال مسلمین جلوگیری می‌شود.

شما ای گروهی که در دانش مشهور و به نیکوکاری مذکور و به خیرخواهی مردم معروفید! خدا در دل مردم، مهابت و احترام شما را قرار داده است که اشراف و بزرگان از شما بیمناک و حساب می‌برند و ضعفا از شما تکریم می‌نمایند و کسانی که شما را بر آنها امتیازی نیست و نه حقی بر آنها دارید شما را بر خود مقدم می‌دارند و شما را واسطه قضای حوایج خود قرار می‌دهند. شمایید که در راه‌ها به هیئت و روش پادشاهان و عزّت بزرگان راه می‌روید. شمایید که مردم تعظیم و احترامشان می کنند و شما را جلو می‌اندازند. آیا این همه مناصب و شئون و احترامات و تکریماتی را که به دست آورده‌اید جز برای این است که شما را طرفداران و

برپادارنده حقوقی که از طرف خدا معین شده گمان می کنند، با آنکه شما در خیلی از حقوق خدا و وظایفی

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۸

که در حفظ مقررات و حفظ نوامیس و قواعد الهیه دارید کوتاهی می کنید.

شما به حق پیشوایان و امامان خود استخفاف می‌نمایید و حق ضعفا را پایمال و ضایع می کنید، ولی اگر به گمان خود حقی داشته باشید آن را مطالبه می کنید، شما نه مالی بذل می‌نمایید و نه مردمی هستید که در راه خدا فداکاری و جانبازی و گذشت داشته باشید. نه در راه خدا و حمایت از حق با کسی خصومت و دشمنی می کنید. و با وجود این تمنّای بهشت خدا و همجواری با پیغمبران خدا و نجات از عذاب دارید؟!

من از آن می‌ترسم که برخلاف این آرزو به نقمتی از نقمات و عذابی از عذاب‌ها گرفتار شوید. برای آن که شما از موقعیت خود سوءاستفاده می کنید شما به نام دین و به نام خدا (و به نام انتظام امور جامعه و اصلاح احوال خلق) بر مردم آقایی و سروری و برتری و فضیلت یافته‌اید، در حالی که می‌بینید عهدهای خدا را که عبارت از واجبات و محرّمات و تکالیف شرعی باشد نقض شده است، تکان نمی‌خورید و مضطرب نمی‌شوید، در حالی که نسبت به عهدهای پدرانتان اگر نقض شود و حرمت آن را نگاه ندارند متغیّر شده بر خود می‌لرزید.

دستورات و عهدهای پیغمبر حقیر و پست گردیده است. شما می‌بینید که بیچارگان و عَجَزه و ناتوانان در میان شما بی‌سرپرست مانده و بر آنها رحمی نمی‌شود. نه در شغل و منصب و منزلتی که دارید وظیفه خود را انجام می‌دهید، و نه در کارهای زشت، کسی را ملامت و سرزنش می کنید. با ظلمه و ستمکاران با مدارا و مسامحه زندگی می‌نمایید.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۶۹

تمام این مفاسد برای آن است که شما از نهی از منکر غفلت کرده‌اید. شما از همه مردم از جهت مصیبت بزرگ‌ترید، برای آنکه از شما مقامی که حق علما و دانشمندان است انتزاع شده است با آنکه باید جریان کارها و اجرای احکام به دست علما باشد که امنای خدایند، بر حلال و حرام او این حق و منزلت سلب نشده، مگر برای تفرقه و اختلاف و عدم اتفاق شما بر حقّ.

شمایید که اگر بر رنج و اذیت، صبر و شکیبایی می‌داشتید و متحمل مؤونه در راه خدا می‌شدید کارها را به دست می گرفتید و مرجع و مصدر امور می گشتید، ولی ستمکاران را در کارها تسلط دادید و مناصب را به آنها تسلیم و واگذار کردید تا آنکه آنها مطابق شهوات و نظریات پست خود رفتار نمایند. آنها را تسلط دادید برای فرار و گریزی که از مرگ دارید و برای علاقه‌ای که به این زندگی زایل و فانی دارید. پس ضعفا را به دست ظلم آنها سپردید تا انواع مصیبات و فشارها ما بر آنها وارد شود و آنها را با هر چوب که بخواهند برانند و مانند جبّاران و زمامداران خدانشناس بی‌مانع و دافعی در روی زمین به میل خویش رفتار نموده در هر شهر و ناحیه دست ظلم آنها دراز باشد و بندگان خدا را استخدام و استعباد کنند.

همانا در شگفتم و چگونه نگریم و تعجّب نکنم و حال آنکه روی زمین را ستمکاران و خائنین و ولات و فرمانروایان و فرمانداران نامهربان گرفته‌اند، خدا حاکم و قاضی است در آنچه که در میان ما آشکار شده و در آن منازعه داریم.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۰

خدایا! تو می‌دانی که آنچه می گوییم و می کنیم نه برای رغبت و طمع به سلطنت و پادشاهی است و نه برای داد گرفتن از دشمنان، بلکه می‌خواهیم بلاد و شهرستان‌ها اصلاح و معمور گردد و معالم دین تو اظهار شود و مظلومین و ستمدیدگان در ضمان امان زندگی کنند و سنن و احکام و فرایض تو عملی گردد.

شما ای مردم! اگر ما را یاری نکنید و انصاف ندهید، ستمکارها بر شما مسلط می گردند و در خاموش کردن نور پیغمبر اقدام

می نمایند.

«وحسبنا الله وعلیه توکّلنا والیه انبنا والیه المصیر».[۶۰]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۱

اولیای خانواده‌ها و امر به معروف و نهی از منکر

بی‌شبهه محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند در صفات، اخلاق، رفتار و روش و خلاصه تکوین شخصیت او مؤثر است. سطح فکر و احساسات هر کس بیشتر متناسب با محیطی است که در آن بزرگ شده و پرورش یافته است. آن کسی که در محیط ایمان و خداپرستی و پارسایی تربیت شده و هر چه دیده مردان متّقی و پرهیزکار و درستکار و مظاهر امانت و صداقت و فضیلت دیده است با شخصی که در یک محیط آلوده و فاسد، پرورش یافته حتماً مثل هم نیستند.

عادات و روحیات یک نفر بیابانگرد بی‌علم و اطلاع مانند یک نفر شهری متمدن نیست. فرزندانی که از نعمت تربیت پدران خداپرست و دانشمند و با اخلاق و مادران پارسا و با ایمان و عفت و طهارت برخوردارند، با فرزند یک مرد فاسق و بی‌ایمان و یک زن خیابانگرد بی‌عفّت و تقوا بسیار تفاوت دارند.

آن کسی که معاشرت و همنشینی او با نیکان و صلحا و اهل معرفت است و قسمتی از عمر خود را در مجالس موعظه و مساجد و تلاوت قرآن و ادعیه و قرائت کتاب‌های مفید دینی و اخلاقی مانند معراج السعادهٔ و مصباح الفلاح ۶۱] و مطالعه تاریخ احوال بزرگان دنیا و دقت در سیر تحولات اوضاع ملل و امم

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۲

گذرانده باشد، هیچگاه طرف نسبت با کسی که با اراذل و اشرار و اهل شرب خمر و قمار و تریاکی‌ها و چاقوکش‌ها مجالست دارد و به جز با محفل طرب و سینما و تئاتر و تماشاخانه و مناظر مهیّج شهوت و داستان‌های عشقی و نغمات موسیقی و خیانت و روزنامه‌ها و مجلّات و از این قبیل آشنایی ندارد، نیست.

البته، نباید انکار نمود که گاهی اشخاصی پیدا می‌شوند که علاوه بر آنکه تحت نفوذ و تأثیر محیط واقع نمی‌شوند، فوق آن قرار گرفته و شخصیت و روحیه آنها بقدری بزرگ و تواناست که محیط را عوض می‌نماید، یا اینکه کسانی هستند که به واسطه پاره‌ای جهات، تأثیر محیط در آنها کمتر وسعی دارند که با حفظ فطرت و نورانیت ضمیر خود، حساب اعمال و اخلاق خود را با میزان و ترازوی عقل و شرع در یک فضایی که مصون از مداخلات این عالم مادی باشد، بنمایند. اما این اشخاص در جامعه عدّه‌ی انگشت شمار و معدودی بیش نیستند. اکثریت افراد تابع وضع محیط و روش عمومی و رویه عامّه هستند وقتی ببینند دیگران به نیکی و راستی و درستی اقبال دارند آنها هم نیکوکاری را پیشه می‌سازند. و اگر ببینند سایرین در مقام دغل و خیانت و ستم و جمع منافع هستند به آنها متمایل می‌شوند. از این رو برای تهذیب و اصلاح افراد یکی از بهترین راه‌ها موافق ساختن محیط است.

در شریعت مقدس اسلام، همان گونه که با کمال شدّت با بی‌ایمانی و اعمال زشت و اخلاق رذیله مبارزه شده است و به سوی خیر و نیکی دعوت می‌شود، در اصلاح محیط هم اهتمام شده است؛ مثلًا نه تنها خواندن

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۳

نوشته‌هایی که موجب فساد اخلاق و تهییج شهوات و دعوت به خیانت و جنایت و بی‌نظمی است منع گردیده، بلکه نوشتن و طبع و

نشر و خرید و فروش اینگونه کتاب‌ها و نوشته‌ها را ممنوع فرموده‌اند. و نه فقط قمار و میخوارگی و زنا و این قبیل اعمال زشت حرام شده، بلکه ساختن می و آلات قماربازی و خرید و فروش آنها و تأسیس اماکن فحشاء و بی‌عفّتی و معاشرت‌های نامشروع مردان و بانوان را تحریم کرده است. نابود کردن و شکستن آلات لهو و لعب و قمار بر همه کس واجب گردیده و برای مجالست‌ها و معاشرت‌ها آداب و قواعد خاصی معیّن شده است. راجع به تأسیس مجالس وعظ و سخنرانی‌های مفید و توسعه مدارس و بسط علم و فرهنگ و تعلیم احکام و آداب و یادگرفتن و یاددادن قرآن مجید و احادیث و اخبار ترغیب بسیار شده است و تعظیم از شعائر مذهبی و حفظ ظواهر و حضور در جماعات و مساجد و مجالس علمی و اخلاقی را از وظایف هر فرد قرار داده‌اند، تا در نتیجه، احساسات حسنه مردم زنده و افراد متمایل به خیرات و متوجه به خدا گردند و البته در چنین جامعه امر به معروف و نهی از منکر به طور سهل و بی‌پیرایه انجام می‌شود.

انسان در زندگی محیطهای مختلفی را می‌بیند مانند محیط خانه، بازار، مدرسه، شهر، کشور و بالاخره در دنیای کنونی محیط همه جهان باید هر یک از این محیطها را برای ترقی و کمال او مساعد ساخت، مثلًا محیط مدرسه را با استخدام آموزگاران کاردان، باتجربه، عالم، خداپرست و علاقه‌مند و برنامه صحیح و اساسی باید برای تکامل و تربیت افراد مهیا ساخت. محیط اداره را با سپردن مشاغل حسّاس به اشخاص صحیح العمل

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۴

و درستکار و جدّی و تشویق مردمان امین و طرد خیانتکاران مساعد نمود.

یکی از بزرگ‌ترین محیطها، بلکه اولین محیطی که بشر در این دنیا آن را می‌بیند و آن را به منزله‌ی مدرسه‌ی ابتدایی یا اطاق اول زندگی او در عالم دنیا باید شمرد «خانه» است که مقدمه سعادت و زمینه نیکبختی و تعالی و ترقّی یا مایه بدبختی و انحطاط و فساد اخلاق، بیشتر از آنجا آغاز می‌شود. چگونگی تربیت خانوادگی و احساسات و صفات و اخلاق و اعمال اولیای خانواده، سایر افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. که اگر مراحل بعدی مانند مدرسه و جامعه او را تغییر ندهد و عوض نکند، همان تربیت اولیه پدر و مادر کار خود را خواهد نمود.

پس یکی از بزرگ‌ترین وظایف کسانی که علاقه‌مند به اصلاح و ترقی افراد خانواده خود هستند، مراقبت در اخلاق و رفتار آنها و وضع خانه و منزل است.

اولًا: رفتار خود را طوری قرار دهند که برای سایر افراد خانواده سرمشق نیکوکاری و حسن عمل باشند.

ثانیاً: از گذاردن وسایل معاصی در دسترس اهل خانه، خودداری کنند؛ زیرا با فراهم بودن وسیله، نگهداری از فساد و رفتار ناروا دشوار می‌شود.

ملحد گرسنه و خانه خالی و طعام [۶۲]

عقل باور نکند کز رمضان اندیشد

و در عوض وسایل تکمیل قوای معنوی و ملکات فاضله را برای آنها فراهم سازند. معلوم است در خانه‌ای که سفره شراب و بساط قمار انداخته

می‌شود، یا نقشه ظلم و ستم و قانون شکنی در آنجا طرح گردد، و در

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۵

عوض تلاوت قرآن و تشکیل مجالس موعظه و درس اخلاق، صدای آلات طرب و موسیقی بلند کنند یا مجالس لهو یا میهمانی‌های خانوادگی به وضعی که اکنون در میان بعض مردم بی‌غیرت شایع است برپا کنند، اخلاق افراد آن متناسب با همین وضعیت

می‌شود.

ثالثاً: اگر از کسان و بستگان خود رفتار زشت و گناهی دیدند آنها را نهی از منکر کنند و اعمال و اخلاق آنان را تحت نظر مستقیم خود بگیرند تا هم وظیفه شرعی و اخلاقی خویش را انجام داده و هم نیکبختی آنان را تأمین نمایند. خداوند متعال می‌فرماید:

(یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَکُمْ وَأَهْلِیکُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَهُ عَلَیْهَا مَلَائِکَهٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا یَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَیَفْعَلُونَ مَا یُؤْمَرُون)[۶۳]

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نگاه بدارید خودتان و کسان و فامیل خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ است و فرشتگان غلاظ و شداد که خدا را در فرمانی که به آنها بدهد مخالفت نمی‌کنند و به فرمان او رفتار می‌نمایند بر آن گماشته شده است.

و در سوره‌ی مریم در مدح اسماعیل صادق الوعد- که یکی از پیغمبران است- می‌فرماید:

(وَکَانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاهِ وَالزَّکَاهِ)[۶۴]

کسان و بستگان خود را امر به نماز و ادای زکات می‌کرد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۶

در کتب احادیث روایت کرده‌اند که از حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام از آیه «قُوا أَنفُسَکُمْ سؤال شد که چگونه اهل خویش را نگاهداری کنیم؟

فرمود: «آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمایید».[۶۵]

به موجب آیات کریمه و اخبار و روایات، یکی از تکالیف هر مسلمانی، اهتمام در حسن اخلاق و ادب و تربیت خانواده است. مخصوصاً در این عصر که افکار و اخلاق به واسطه نزدیکی ملل و اقوام به یکدیگر دائماً در معرض تغییر و تحوّل است و با به کار بردن انواع وسایل برای تخریب مبانی مذهبی و اسلامی و تضعیف عقاید حق و تبدیل احساسات و عواطف پاک مسلمانان و محو حیثیات و استقلال آنان از طرف بیگانگان اهتمام می‌شود، و یگانه راه وصول به این مقصود را آموزش و پرورش اطفال و جوانان شناخته‌اند، و می‌کوشند که وضع تعلیم و تربیت را طوری قرار دهند که ایمان به خدا و اعتماد به نفس و حس طرفداری از حق، صراحت لهجه و شجاعت اخلاقی و عفت و پاکدامنی و پارسایی و پرهیزکاری که از خصایص بارز مسلمانان است از آنها سلب و در عوض مردمانی نادان و ضعیف الاراده و سست عنصر و تنبل بار آورند تا به جای علم و دانش و صنعت و اخلاق، محصول چندین سال مدرسه دیدن و دبستان و دبیرستان طی کردن برای آنها از دست دادن حسّ اعتماد به نفس و نادانی و میخوارگی و شهوترانی و صفات پست دیگر و تحمل ظلم و ستم و قبول نوکری و خدمتکاری اجانب گردد تا آنها را بر سر هر کاری گماردند در اطاعت اوامر دشمنان سعادت جامعه و مسلمانان و تضییع حقوق بیچارگان و ایجاد هرج و مرج و هزاران معایب دیگر، مهیا و آماده باشند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۷

باید اولیای اطفال و خانواده‌ها بیش از پیش متوجه وضع معاشرت‌ها و رفتار تمام کسان خود مخصوصاً فرزندانشان باشند و وضع اخلاقی و ایمانی و علمی آموزگاران و معلمین فرزندان خود را کاملا مورد دقت و اهمیت قرار دهند و نگذارند پسران و دختران آنها فاسد و آلوده بار آیند و کاری نکنند که به جای آنکه فرزندان آنها صالح و امین و رشید و دانشمند و خدمتگزار شوند، مردمانی خیانتکار، وطن‌فروش و نابکار از کار بیرون آیند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۸

علل بی‌اعتنایی به امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

وقتی کمال اهتمام و تأکید دین اسلام را راجع به امر به معروف و نهی از منکر در قرآن مجید و احادیث شریفه مطالعه می کنیم و به مصلحت و فایده قیام به این واجب دینی و اخلاقی متوجه می‌شویم و از طرفی کوتاهی و مسامحه اغلب افراد را در انجام این وظیفه می‌بینیم، حق داریم که از علت این تقصیر و بی‌اعتنایی، تفحص و جستجو نماییم و بپرسیم:

چگونه است که با آنکه بسیاری از مصالح و فواید ادای این تکلیف و زیان‌های ترک آن را همه می‌دانیم از مسامحه و کوتاهی درباره آن نمی‌پرهیزیم؟

چرا با آنکه کسان و بستگان خود را گرفتار فقر اخلاقی و انواع آلودگی‌هایی که ضرر آن به مراتب از ضرر هر مرض و آفت و فقر مادّی بیشتر است می‌بینیم و به جای آنکه در مقام راهنمایی و نجات آنان از این مهالک و زیان‌ها برآییم، سکوت و خاموشی اختیار می کنیم؟

چگونه است که اگر کسی دارای مال و مقامی باشد از بی‌ادبی‌ها و کارهای نامشروع و گناهانی که مرتکب می‌شود چشم پوشی می گردد و کسی آنها را مؤاخذه نمی کند در حالی که از یک فرد عادی گاهی در ترک اولی هم بازخواست می‌شود؟

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۷۹

علل این بی‌قیدی بسیار است که اهم آن را بیان می‌نماییم:

اول: ضعف ایمان

ضعف ایمان به خدا، علهٔ العلل این بی‌اعتنایی و بیشتر بدبختی‌هایی است که گریبانگیر بشر می‌شود. ضعف ایمان قدرت و شجاعت اخلاقی را از انسان سلب کرده و او را تحت نفوذ و مرعوبیت از قدرت‌های موهومه و اعتبارات ظاهریه، خوار و زبون می‌سازد. بدترین نقطه ضعف انسان که با وجود آن او را از هیچ عمل زشت و ارتکاب خلاف وظیفه نمی‌توان مصون دانست، بی‌ایمانی و بی‌دینی است.

تاریخ را ورق بزنید و به پرونده‌های جرایم و جنایات مراجعه فرمایید تا بفهمید ضحاک‌ها، چنگیزها، یزیدها، حجّاج‌ها و سایر دیکتاتورها و جبّاران و همچنین خیانتکاران و وطن‌فروش‌ها و بیگانه‌پرست‌ها و دزدها و آدمکش‌ها و بی‌ناموس‌ها و عیّاش‌ها و میلیونرها و اغنیای بی‌رحم و چاقوکش‌ها و جیب‌برها و ... از چه دسته و طایفه‌ای هستند.

بی‌ایمانی به خدا، انسان را نسبت به مخلوق ضعیف، متملق می‌سازد تا برای خوشامد اشخاص چاپلوسی کند و از ادای تکلیف خودداری نماید.

بی‌ایمانی صفت استقامت و ضبط نفس و شهامت او را می کشد.

ایمان نیرویی است که انسان را توانا و قوی الاراده می‌سازد. مؤمن از هیچ چیز مانند خلاف وظیفه و معصیت خدا نمی‌پرهیزد. چنانچه از پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله وسلّم روایت است که به ابوذر فرمود:

«انّ المؤمن لیری ذنبه کانّه صخرهٔ یخاف ان تقع علیه

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۰

وانّ الکافر یری ذنبه کانّه ذباب مرّ علی انفه»[۶۶]

مؤمن گناه خود را مانند سنگ بزرگی می‌بیند که می‌ترسد بر سر او بیفتد، و کافر و بی‌ایمان گناه خود را مانند پشه می‌بیند که بر بینی او مرور کرده باشد.

آن کس که ایمان به خدا دارد و اعتمادش به اوست از کاینات در مقام انجام تکلیف اندیشه نمی‌کند مانند پیغمبر اسلام که در برابر لجوج‌ترین و سخت‌دل‌ترین مردم مثل اعراب جاهلیت، قیام نمود و چنان مردمی را که از راه علم و ایمان و عدالت و رحم و انسانیت برکنار بودند، به راه دانش و معرفت و ترحّم و برادری و ایمان به خدا وارد کرد.

دوم: طمع

از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مذمّت طمع مروی است که فرمود:

«اكْثَرُ مَصارعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطامِعِ»[۶۷]

«طمع» یکی از نقاط ضعف در انسان است. بسیاری از مردم با آنکه آگاه و ملتفت هستند و خسارت ترک امر به معروف و نهی از منکر را می‌فهمند، برای طمعی که به مال یا استفاده از مقام اشخاص دارند به خیال آنکه اگر فلان شخص را امر به معروف کنند از مال او یا ریاست او بی‌بهره می‌مانند، در ادای این وظیفه سهل‌انگاری روا داشته و بسا که در حضور آنها معصیت‌ها واقع شود که چون خوی زشت طمع، آنان را فاقد حریت و آزادمنشی و صراحت لهجه کرده از نهی از منکر خودداری می‌کنند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۱

سوم: ترس نابجا

بعداً عرض خواهد شد در جایی که مفسده تولید گردد، ترک امر به معروف و نهی از منکر جایز است که موارد آن را اشخاص روشن ضمیر و آشنا به اوضاع و احوال اشخاص ملتفت می‌گردند. اما عده‌ای را برای آنکه رشد و بلوغ اخلاقی ندارند بیم و ترس بیجا غالباً از ادای این تکلیف باز می‌دارد و در پیش خودشان برای یک امر به معروف و نهی از منکر ساده و سهل که به هیچ مانع و محذوری برخورد نمی‌کند، محاذیر و موانع بسیاری فرض نموده و خود را به خیال خویش، معذور می‌سازند. حتی گاهی این مردم ترسو به دیگران هم که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند اعتراض می‌نمایند و آنها را احساساتی و بی‌فکر می‌شمارند!

چهارم: ناشکیبایی

یکی دیگر از عوامل بی‌اعتنایی به امر به معروف و نهی از منکر، «نداشتن قوه تحمّل و بردباری و مدارا کردن با مردم و استقامت و پشتکار است».

اینگونه اشخاص نمی‌توانند دنبال مقصود بروند و اولین پیشامد و ابتلا آنها را خسته و دماغشان را افسرده می‌سازد. مخصوصاً در امر به معروف و نهی از منکر، غالباً انسان گرفتار استهزاء و تمسخر، بلکه اذیت و آزار جهّال و نادانان می‌شود و اگر خویشتن‌دار و قوی الاراده نباشد، ممکن است در قدم اول خود را از دست بدهد و عقب‌نشینی کند.

در قرآن کریم خداوند متعال حالات پیغمبران و انبیایی را که به استهزاء و مسخره قوم گرفتار شدند ولی موقعیت و مقام خود را حفظ نموده و از دعوت خود تعقیب کردند بیان فرموده است تا مسلمانان بدانند این

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۲

استهزائات و تمسخرات تازگی نداشته و پیوسته نادانان با مصلحین و پیغمبران و اولیای خدا همین معامله را داشته‌اند.

بهترین سرمشق برای یک مسلمان در این موضوع، تاریخ پیغمبر اکرم صلّی‌الله علیه وآله است؛ زیرا آن حضرت در اذیت و استهزاء و گستاخی‌های قوم، صبر و تحمل را به نهایت رسانید. انواع صدمات و اهانت‌ها و بی‌ادبی‌ها که به آن بزرگوار می‌شد[۶۸] او را به قدر سر مویی از راه و رویه‌ای که داشت منحرف نمی‌ساخت. با کمال خوشرویی، خوش خلقی، و خوش برخوردی تمام، آن بی‌ادبی‌ها را به حکم) ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ ([۶۹] دفع می‌فرمود و از خیرخواهی و نیکی درباره آنها دریغ نمی‌کرد. هیچوقت در کار دعوت و هدایت خلق، اظهار سستی و خستگی نفرمود، حتی از آن کسانی که به او ایمان آورده بودند چون نسبت به آداب اسلامی آشنا نبودند، بی‌ادبی‌ها می‌دید و مؤاخذه نمی‌نمود و با نرمی و مهربانی به آنها ادب، اخلاق و انسانیت می‌آموخت.

امروزه بسیاری از ما به محض آنکه با کوچک‌ترین مکروه و خلاف طبع و ناملایمی برخورد کنیم خود را از ادای تکالیف معاف می‌شماریم و نیروی شکیبایی ما بقدری ضعیف است که در برابر یک خلاف میل و مکروه طبعی، حالت مقاومت و صبر نداریم.

از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت شده است که در ضمن بیاناتی فرمود:

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۳

«الصَّبْرُ مِنَ الْایمانِ کَالرَّاْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلاخَیْرَ فی جَسَدٍ لا رَاْسَ مَعَهُ وَلْا فی ایمانٍ لاصَبْرَ مَعَهُ»[۷۰]

صبر از ایمان بمنزله‌ی سر است از تن و خیری در تنی که سر ندارد نیست و خیری نیست در ایمانی که با او صبر نیست.

پنجم: یأس و نومیدی از حصول مقصود

بسیاری از مردم وقتی کثرت اهل معصیت و طغیان و قوه و قدرت و تظاهرات و رونق بازار آنها را می‌بینند، گمان می‌کنند با امر به معروف و نهی از منکر مخصوصاً با نداشتن همکار، نمی‌توان کاری انجام داد و مردم را عوض نمود؛ مثلًا چگونه می‌شود با بی‌حجابی چند هزار نفر زن در مثل شهر تهران مبارزه کرد با آنکه بسیاری از آنها به کسانی که در رأس امور کشور اسلامی جعفری هستند، انتساب دارند؟

یا چطور می‌شود از این اختلاط و معاشرت‌های زنان اجنبی با مردان اجنبی و میهمانی‌های فامیلی که در میان طبقه به قول خودشان متنوّر و متجدّد، مرسوم شده، جلوگیری نمود؟

چگونه می‌شود مردم را از شنیدن نغمات نامشروع و آوازهای غنا و ساز و غیره با آنکه رادیوی کشور از پخش آن خودداری ندارد، باز داشت؟

چگونه باید استعمال مسکرات و تریاک را موقوف ساخت، در حالی که عوض برچیدن میکده‌ها و مؤسسات و شرکت‌های می‌فروشی، مالیات برای آنها معین می‌کنند؟!

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۴

چطور می‌شود مردم را از شرّ مأمورین خائن و رشوه‌خواری که حقوق

ضعفا و فقرا را حیف و میل می‌کنند و بیت المال کشور را به جیب می‌زنند، خلاص ساخت؟

چگونه باید دادگستری را بر یک اساس منظمی که شایسته‌ی یک کشور اسلامی است قرار داد تا حیثیات مقام قضا و داوری را یک مشت مردم بی‌علم، بی‌لیاقت، فاسق و فاقد صلاحیت، آلوده ننمایند؟

چطور باید با این اختلاف طبقاتی و این سرمایه‌داران و ثروتمندان و ملّاکین بی‌رحم و نامسلمانی که پیدا شده‌اند، مبارزه کرد و اموال نامشروع آنها را در تأسیس مؤسسات خیریه و کمک به بینوایان و ضعفا و ادای حقوق شرعی بکار گرفت و چگونه

و چگونه ...؟

پاسخ این سخنان این است که این مطالب، همه مولود همان روحیّه‌ی یأس و نومیدی است و گرنه با تمام این فسادها مبارزه میسّر است و می‌توان به همه این اوضاع زشت خاتمه داد و تمام تشکیلات و سازمان‌ها با تشویق مردم درستکار و صالح و امر به معروف و نهی از منکر از وضع فعلی نجات داد؛ زیرا اینطور که بعضی تصور می‌کنند که فساد در همه شئون اجتماعی رخنه کرده و همه افراد را خراب نموده، نیست. در تمام طبقات، اکثریت مردم صحیح و یا کسانی هستند که قابل اصلاحند.

اگر جمعی زنان زمام گسیخته در اثر تربیت فاسد خانوادگی و هوسرانی و یا تبلیغات و تحریکات بیگانگان و دشمنان اسلام و مسلمانان و یا فشار زندگی اقتصادی و خودداری اغنیا و توانگران از ادای وظایف خود، متمایل به بی‌عفتی و بی‌حجابی باشند و با وضع زننده در حاشیه‌ی خیابان‌های

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۵

تهران دیده شوند که متاع عفت و عصمت خود را در معرض فنا و آلایش گذارده و باعث تهییج شهوات هزاران جوان معصوم می‌گردند و این همه فساد و آدمکشی‌ها و بی‌عفّتی‌هایی را- که در این مملکت بی‌سابقه است- درست می‌کنند در مقابل، تمام زن‌های پاکدامن و مسلمان این مملکت که اکثریت را تشکیل می‌دهند به حجاب و عفت و پوشش، افتخار می‌کنند.

اگر یک دسته از خانم‌ها برای همین معاشرت‌هایی که با مردان بیگانه دارند از سقط جنین‌ها و خیانت به همسرهای خویش و به هم زدن نظم زندگی خانوادگی، باک ندارند و خود را از لذت و حظّ زندگی با شوهر و فرزند و خانه‌داری محروم ساخته‌اند، در عوض چندین میلیون خانم‌های نجیب و عفیف در این کشور هستند که یک عمر با صداقت، صمیمیت و فداکاری با شوهر خود زندگی کرده و یک خانواده بزرگ را نگاهداری می‌نمایند.

اگر نغمات موسیقی و ساز و آواز هست، هزاران مسجد و منبر و مجالس وعظ و سخنرانی‌های اخلاقی و دینی هم وجود دارد که تعداد آنها از کثرت با این مجالس لهو و لعب، قابل مقایسه نیست. اگر رشوه‌خوار و خائن در کارمندان دولت یا مؤسسات دیگر وجود دارد، افراد صالح و درستکار هم هستند که چرخ‌های بسیاری از تشکیلات جامعه به دست همان‌ها در گردش است.

پس با این همه همراه و همکار واقعی و موافقی که داریم، جا ندارد که از تأثیر امر به معروف ناامید شویم و از انجام وظیفه، خود را معاف بدانیم.

طرفداران حق و عدالت اگر در عِدّه و عُدّه و قدرت قوّه کم هم باشند، عاقبت پیروزی و ظفر نصیب آنها خواهد شد:

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۶

(کَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللّهِ)[۷۱]

مگر تظاهرات اهل معصیت و باطل، موجب سقوط تکلیف می‌گردد؟ مگر شدت و اصرار آنها نور خدا را خاموش می‌سازد؟

(وَيَأْبَى اللّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)[۷۲]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر ؛ ص۸۶

ر نه حضرت رسول صلّی الله علیه و آله یک تنه شروع به دعوت فرمود و در برابر یک دنیا جهل و انحراف و شرک و ستم، پرچم توحید را بلند نمود و خدا هم به مدلول آیه کریمه:

(إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ)[۷۳]

او را یاری کرد و کلمه او را بلند نمود.

ششم: شفقت و مهربانی

گاهی علاقه و مهربانی انسان نسبت به شخصی- خصوصاً اگر خویش و نزدیک او باشد و به ویژه اگر فرزند او باشد- او را از مؤاخذه و تأدیب و تربیت و اظهار حقّ بر ضرر او باز می‌دارد.

یکی از وظایف مسلمانی این است که در اجرای قانون و مقررات، یا ادای شهادت یا امر به معروف، میان خودی و بیگانه فرق و تفاوتی نگذارند. چنانچه در قرآن مجید می‌فرماید:

(یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ کُونُواْ قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاء لِلّهِ وَلَوْ عَلَی أَنفُسِکُمْ أَوِ الْوَالِدَیْنِ وَالأَقْرَبِینَ)[۷۴]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۷

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی برپادارندگان عدالت

و قسط باشید و برای خدا گواهی و شهادت دهید اگرچه بر ضرر خودتان یا پدر و مادر یا نزدیکانتان باشد.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

(الزَّانِیَةُ وَالزَّانِی فَاجْلِدُوا کُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْکُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِی دِینِ اللَّهِ إِن کُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ)[۷۵]

زن زناکار و مرد زناکار را به هر یک صد تازیانه بزنید و در دین خدا، (یعنی اجرای حدود و مجازات‌های شرعی) مراعات رأفت ننمایید اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید.

در کتاب‌های تاریخ است که در سال فتح مکّه (سال ششم هجرت) در ایّام توقّف پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله فاطمه‌ی مخزومیه دختر اسودبن عبدالأسد، برادرزاده سلمهٔ بن عبدالأسد- که از اشراف قبیله بنی‌مخزوم بشمار می‌رفت-، دزدی نمود و در موقع سرقت دستگیر شد. چون او را به حضور پیغمبر صلوات الله علیه وآله آوردند، رسول اکرم فرمان داد تا دست او را قطع کنند. خویشاوندان او اسامهٔ بن زید را برانگیختند تا نزد پیغمبر از او شفاعت کند. وقتی اسامه زبان به شفاعت گشود و تقاضای عفو او را کرد، رنگ و چهره پیغمبر صلّی الله علیه وآله تغییر کرد و اسامه را توبیخ نمود و فرمود:

«لایشفع فی حدٍّ فانّ الحدودَ إذا انتهتْ الیّ فلیس لها مترک»

درخواست شفاعت در اجرای حدّ نکن همانا حدود، هرگاه نزد من ثابت شد راه صرف نظر نخواهد داشت.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۸

اسامه، نادم و پشیمان گردید و از پیغمبر صلی الله علیه وآله تقاضا کرد که برای او استغفار نماید. پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود: امم گذشته و پیشینیان از آن جهت نابود شدند که چون از بزرگان ایشان یک نفر مرتکب دزدی می‌گشت او را رها می‌کردند و کیفر نمی‌دادند و چون ضعیفی این گناه را می‌نمود، او را به کیفر گناهش می‌رساندند. سوگند بدان خدایی که جان محمّد در دست اوست اگر فاطمه دختر محمّد، دزدی کند فرمان دهم تا دست او را قطع کنند![۷۶] پس از آن فرمود تا دست فاطمه مخزومیه را بریدند و بر او ترحّم فرمود و او را عطا مرحمت کرد.

فاطمه عرض کرد: آیا توبه من مقبول است؟

فرمود: از گناه خویش، مانند روزی هستی که از مادر تولد یافتی.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۸۹

احکام شرعی امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

پیش از این تذکر دادیم که باید کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند، مسایل و احکام شرعی آن را بدانند تا آنکه مرتکب اشتباه نشده و بر خلاف تکلیف شرعی خود، رفتاری ننمایند. و هر گاه کسی بی‌اطلاع از احکام و آداب شرعی آن، امر به معروف نماید علاوه بر آنکه بیشتر اقدامات او بیجا و بی‌مورد واقع می‌شود، ممکن است نادانی‌ها و کارهای ناروایی که به نام امر به معروف و نهی از منکر مرتکب می‌شود، باعث تولید مفاسد و زیان‌های بسیار گردد. از این جهت از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود که در این فصل دقت بیشتر فرموده مراقبت کنند که آلت دست و وسیله اجرای مقاصد پست مغرضین و مفسدین و مردمان فتنه‌جو نشده در حدود وظایف و تکالیف شرعی خود در امر به معروف و نهی از منکر ساعی باشند.

و چون شاید پاره‌ای از خوانندگان عزیز نسبت به مسایل و احکام امر به معروف آگاهی کامل نداشته باشند، محض اطلاع و مزید بصیرت آنان بعض احکام شرعی امر به معروف و نهی از منکر را در ضمن چند فرع، مطابق فتوای حضرت مستطاب استادنا الأکبر آیةالله العظمی آقای حاج آقا حسین

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۰

طباطبایی بروجردی- متع الله المسلمین بطول بقائه- ذکر می‌نماییم.[۷۷] و[۷۸]:

فرع اوّل: امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر یک نفر هم آن را انجام دهد از دیگران ساقط می‌شود و اگر هیچکس اقدام نکرد، همه در ترک آن مسئول و معاقب هستند.

فرع دوّم: امر به معروف و نهی از منکر واجب نمی‌شود مگر آنکه شرایطی که ذکر می گردد موجود باشد:

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

اوّل: آنکه امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر، علم داشته باشد، یعنی بداند که آن فعل منکر است یا معروف، حرام است یا واجب، تا در غلط و اشتباه نیفتد و امر به منکر و نهی از معروف ننماید. و امر به مستحبات و نهی از مکروهات را که مستحب است با امر به واجبات و نهی از محرّمات که واجب است اشتباه نکند.[۷۹]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۱

دوّم: آنکه احتمال تأثیر بدهد، پس با علم به عدم تأثیر، واجب نیست. و همچنین است هرگاه احتمال تأثیر نزد عقلا مورد اعتنا نباشد که در این صورت هم وجوب معلوم نیست.

سوّم: آنکه تارک واجب یا فاعل حرام اصرار بر آن داشته باشد. پس با علم به امتناع و ترک اصرار، واجب نیست و در صورت ظهور قرنیه‌ای که موجب اطمینان باشد بر امتناع و ترک اصرار، عدم وجوب بعید نیست. و تصمیم گرفتن شخص به ارتکاب منکر و ظهور این معنی کافی است در وجوب امر به معروف و نهی از منکر اگرچه مقصودش ارتکاب آن یک دفعه باشد و اصرار بر تکرار آن نداشته باشد.

چهارم: آنکه امر به معروف و نهی از منکر متضمّن مفسده و ضرری به خود آمر و یا مال او یا یکی از مسلمان‌ها نباشد، ولی شرطیت این معنی به اطلاقه معلوم نیست. بعید نیست به اختلاف مراتب منکر و مراتب ضرر مختلف شود.

فرع سوّم: صدور منکر باید به طریق معتبر شرعی احراز شود. پس احتمال و مجرد ظنّ کافی نیست و تفحّص و جستجو از احوال

مردم به نام امر به معروف و نهی از منکر لازم نیست، بلکه در بعض موارد حرام است.

فرع چهارم: منکر بودن فعل در پیش فاعل بایـد محرز باشـد، پس در مسایل خلاف اگر احتمال داده شود فعلی نزد فاعل آن. منکر نباشد، واجب نیست و همچنین است اگر احتمال جهل او را به حکم یا به موضوع دهد. بلی از باب ارشاد و تعلیم جاهل و تنبیه غافل باید او را متذکر سازند نه از

باب امر به معروف و نهی از منکر.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۲

فرع پنجم: برای امر به معروف و نهی از منکر سه مرتبه ۸۰] است:

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

اوّل: انکار قلبی است به طوری که مأمور و منهی به آن ملتفت شود مانند کناره‌گیری و ترک معاشرت و مجالست و اظهار کراهت، مثل روی درهم کشیدن و اظهار تنفر از اهل معاصی.

دوّم: منع کردن به زبان است، ابتدا به نصیحت و موعظه و کلام لیّن و اگر مفید نشد، به تهدید و تهویل و اگر مؤثر نگشت، به درشتی و خشونت و اگر نه به دشنام از قبیل لفظ جاهل و نادان و مثل آن.

سوّم: منع کردن است به دست که پس از آنکه از تأثیر منع لسانی مأیوس شد، با دست نهی از منکر کند با رعایت «الأیسر فالأیسر» مثل آن که ابتدا او را نگاه دارد که مرتکب معصیت نشود و اگر فایده نکرد او را بزنند به شرط آنکه سبب جراحت و قتل نشود. و هرگاه تأثیر آن در حقّ کسی موقوف به رساندن جراحت یا قتل باشد جایز نیست مگر با اذن فقیه جامع الشّرائط در زمان غیبت.

فرع ششم: در هر مورد که امر به معروف و نهی از منکر بدون ایذاء و اهانت میسّر می‌شود، ایذاء و اهانت حرام است و در امر به مستحب و نهی از مکروه، ایذاء و اهانت مطلقاً جایز نیست.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۳

برخی انواع معروف و منکر از نظر دین اسلام

تمام تعالیم اسلامی اگرچه دارای یک روح است و به دور یک هسته و نقطه مرکزی که توحید خالص و بی‌شایبه و ایمان به خدای یگانه است دور می‌زند، متوجه سه جهت است: اصلاح عقاید، اصلاح اخلاق و معنویات، اصلاح اعمال و کردار.

در موضوع اصلاح عقاید، نظر اسلام این است که واقعاً بشر، موحّد و معتقد به خدا گردد و از شرک و پرستش غیر خدا هر چیز و هر کس باشد نجات یافته و عقایدی پیدا کند که همان عقاید، مؤثر در وجود و متصرّف در امور او باشد و بفهمد که همه بنده یک خدا هستند، همه را یک خدا آفریده و همه را همان خدا، روزی می‌دهد و همان خدا می‌میراند و پس از مرگ در هنگام معین زنده می‌کند و مالک همه و صاحب اختیار همه و برپادارنده و خالق همه اوست. خدا می‌بخشد و خدا می‌ستاند و خدا گناهان را می‌آمرزد و به هر کاری توانا و به هر چیز و هر مطلب آگاه و داناست و از باطن و نیت هر کس با خبر است:

(یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ)[۸۱]

علم و قدرت و همه صفات کمالیه او نامحدود و بی‌انتهاست. تمام کاینات

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۴

در قبضه قدرت او هستند و هیچیک از خود مالک نفع و ضرری نیستند. خدا همیشه بوده و همیشه خواهد بود:

(هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)[۸۲]

باید چنین خدایی را پرستش کنند و از اعمال و کارهای خود رضا و خشنودی او را بخواهند، جز به درگاه او به درگاه دیگری اظهار عبودیت و بندگی و پرستش روا نیست. حکومت و پادشاهی مختص اوست و مخلوقات از شاه و گدا و سفید و سیاه به او محتاج هستند. او از همه بی‌نیاز و غنی بالذّات است. هر کس تقوایش بیشتر و عملش صالح‌تر باشد به درگاه او مقرّب‌تر است:

(قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْاْ إِلَى كَلَمَةٍ سَوَاء بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللّهِ)[۸۳]

بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حقّ که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی، برخی را به جای خدا تعظیم نکنیم.

(فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاء رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)[۸۴]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۵

و هر کس به لقای او امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدا احدی را به او شریک نگرداند.

(إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)[۸۵]

بزرگوارترین شما نزد خدا، با تقواترین مردمند.

و همچنین اسلام می‌خواهد به بشر بفهماند که مسئول سعادت و شقاوت او، خود اوست و هر کس در گرو عملی است که انجام می‌دهد و میوه درختی را که بکارد می‌چیند و آثار کارها و اعمالش را می‌بیند و همه اعمالش مضبوط و محفوظ است که:

(وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ)[۸۶]

زندگی انسان منحصر به این زندگی محدود و پر از ملالت، محنت و رنج و غم دنیا نیست، بلکه یک جهان دیگر و یک زندگی عالی‌تر و جاودان در پیش دارد که سعادت و شقاوت او در آن جهان با اعمال و رفتارش در این جهان پیوستگی و ارتباط دارد و هر کس در آن عالم که عالم آخرت نام دارد و خداوند خلق اولین و آخرین را در آن محشور می‌سازد به پاداش یا کیفر کارهایش می‌رسد.

راجع به پیغمبران خدا علیهم‌السّلام، اسلام می‌خواهد مردم را معتقد به حقانیت همه آنها از آدم تا حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه وعلی جمیع المرسلین بنماید. در قرآن مجید می‌فرماید:

(قُلْ آمَنَّا بِاللّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۶

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ وَالأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ)[۸۷]

بگو ای پیغمبر! به خدای عالم و کتاب و شریعتی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندانش نازل شد و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان آمد به همه ایمان آورده‌ایم فرقی میان هیچ یک از پیغمبران خدا نمی‌گذاریم؛ زیرا مطیع فرمان خدا هستیم.

و همچنین به آنچه از طرف خدا نازل شده مانند ولایت ائمّه اثنا عشر صلوات الله علیهم‌اجمعین و ثواب و عقاب، بهشت و جهنّم، صراط و میزان عقیده‌مند می‌سازد.

امّا در قسمت اخلاق، مقصودش این است که انسان را از تحت تسلّط و نفوذ عادات زشت و اخلاق ذمیمه که بزرگ‌ترین مانع پیشرفت و سد راه ترقّی و کمال است، نجات دهد. و به اخلاقی نیکو که مناسب مقام انسانیت است آراسته سازد و به آزادی روحی و حقیقی و حریت ضمیر، راهبری نماید و حدّ وسطی را که افراط و تفریط در آن نباشد به او بیاموزد و به عدالت و میانه‌روی دعوتش نماید:

(إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالإِحْسَانِ)[۸۸]

(اعْدِلُواْ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى)[۸۹]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۷

و خلاصه بشر را به جمیع مکارم اخلاق به طور واضح و روشن هدایت می‌کند و بقدری پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله به شأن اخلاق اهمیت داده است که می‌فرماید:

انَّما بُعِثْتُ لِاتَمِّمَ مَکارِمَ الْاخلاق ۹۰]

همانا من برای به کمال رساندن فضائل اخلاقی برانگیخته شدم.

و امّا در قسمت اعمال و کردار، هدف اسلام این است که اعمال و کارهایی که از انسان سر می‌زند، ملایم با کمال و ترقی او باشد و اخلاق او را تحسین و تقویت نماید و از کارهایی که با کمال و ترقی واقعی او موافق نیست و باعث تقویت یا تکوین و پیدایش ملکات رذیله می‌شود، دور بماند.

برای کسانی که بخواهند از این مطلب کاملا مطلع و آگاه گردند و بدانند که اسلام می‌خواهد افراد را چگونه تربیت کند و جامعه را چطور بسازد، بهترین راه، مراجعه به آیات قرآنیه و احادیث و اخبار و دستورات و مقرراتی است که در دین حنیف اسلام راجع به همه کارها و امور زندگی داده شده است.

و همچنین مطالعه تاریخ احوال پیغمبر اکرم و ائمّه طاهرین صلوات الله علیهم و رجال بزرگ اسلامی است.

تعداد کتاب‌هایی که علما و فقها و فلاسفه و ارباب علم اخلاق و روانشناسان و محدّثین و مورخین و اهل اطلاع راجع به تعالیم اسلامی نوشته و در دسترس مطالعه عموم و حکومت افکار گذارده‌اند بیش از آن است که بتوان احصا نمود.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۸

تغییرات و اختلافات ازمنه و امکنه و تبدیلات مظاهر عالم ماده و عوض شدن سبک و روش زندگی بشر و پیشرفت او در تکمیل وسایل معیشت و حل مشکلات و کشف اسرار عالم طبیعت، احتیاج او را به این تعلیمات سلب نمی‌کند و اکنون که هزار و سیصد و شصت و نه سال ۹۱] از هجرت حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله علیه وآله می‌گذرد، تفاوتی در جنبه احتیاج او به این تعالیم عالیه حاصل نگشته و بلکه حاجت او از روز اول و آغاز ظهور اسلام به مراتب شدیدتر و بیشتر شده است.

یک روز بود که بشر می‌توانست تنها زندگی کند و یا جامعه خاصی پدید آورد و با جمعیت‌های دیگر اصلًا رابطه و آشنایی و تفاهم نداشته باشد، ولی امروز این حرف‌ها از میان رفته است و همه مردم دنیا مانند یک جامعه و ساکنین یک شهرستان هستند و در نفع و ضرر با هم شریکند و منافع آنها در تماس و اصطکاک است. یگانه تعالیمی که می‌شود با آن این همه مردم را که از نژادهای مختلف تشکیل شده‌اند به هم نزدیک و مربوط ساخت و مانند یک جامعه زنده قرار داد که در میان آنها آشنایی و تفاهم صحیح و منطق عادلانه برقرار گردد تا در نتیجه همه از هم کمک بگیرند و غمخوار هم و تابع یک هدف و یک نقطه شوند و اندیشه و قدرت خود را صرف اذیت یکدیگر و خراب کردن شهرها و بیچاره ساختن افراد نکنند، قواعد دین اسلام است.

مرور قرون و طول ازمنه و خضوع و تسلیم بزرگان عالم و فلاسفه و علما و صاحبان عقول کبیره در برابر این تعلیمات آسمانی، این حقیقت را روشن ساخته است که جامع‌تر از این احکام تصور نخواهد شد. چنانچه ظهور

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۹۹

عجز رجال و دانشمندان و مردان و زمامداران بزرگ عصر حاضر در اصلاح امور جامعه و اداره عالم و برقرار کردن صلح و آشتی و محبت و صفا میان بنی‌آدم و قصور آنها از وضع قوانین و قواعدی که برای تعیین مصالح و منافع ملل و امم و جلوگیری از ستم و حقکشی وافی و کافی باشد، بهترین شاهد است که بشر را با قوانین و مقرراتی که ساخته فکر خود اوست، اداره نمی‌توان کرد و کسی برای آن ارج و احترامی قایل نمی‌شود.

ما، در این موضوعات نمی‌توانیم حق مطلب را در این رساله که به منظور دیگر نگاشته‌ایم ادا کنیم. مقصود اشاره و جلب توجه خوانندگان محترم به این مطالب است و اینکه بدانیم راستی ما در برابر پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله و اولیای اسلام و خدمتگزاران عالم دیانت و حضرت ولی عصر، امام زمان ارواح العالمین له الفداء باید سرافکنده و خجل باشیم. و اعتراف کنیم که بسیاری از ما با اعمال و اخلاق و کارهایی که داریم به اسلام و جامعه بشریت خیانت می‌کنیم.

ما اگر بی‌کم و زیاد دستورات دینی را به کار می‌بستیم و سلیقه‌ها و نظریات خود را در آن وارد نمی‌نمودیم و جمال نورانی اسلام را به دنیا نشان می‌دادیم، علاوه بر آنکه جامعه‌ی خود را سربلند و نیکبخت می‌نمودیم باعث می‌شدیم که دیگران هم از روش ما سرمشق گرفته به دین مبین اسلام بگروند. ما باید التزامات دینی و اخلاقی خود را محکم و استوار سازیم و حقایق اسلامی و علوم و معارف قرآنی را در این دنیایی که وسیله تبلیغ از هر زمان فراهم‌تر است به جهانیان بفهمانیم.

برای تکمیل مطلب و روشن‌شدن ذهن بعضی از خوانندگان محترم و

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۰

کسانی که مواظب ادای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر هستند. به طور اجمال بعضی از اخلاق و کارهای نیک و واجبات و مستحباتی را که شرع مقدّس به آنها دستور داده و ترغیب و تحریص فرموده است، نام می‌بریم و سپس به بعض از منکرات و اخلاق و کارهای زشتی که هر مسلمانی موظف است از آنها اجتناب و پرهیز نماید، اشاره می‌کنیم. و از خداوند توفیق علم و عمل به دستورات مذهبی و امر به معروف و نهی از منکر را برای عموم خواستاریم.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۱

پاره‌ای از اخلاق حسنه و اعمال صالحه

۱. ایمان به خدا

۲. ایمان به پیغمبران

۳. ولایت و محبت اهل بیت پیغمبر علیهم‌السلام

۴. نماز

۵. روزه

۶. زکات

۷. خمس

۸. حج

۹. جهاد

۱۰. احسان و نیکی به پدر و مادر

۱۱. صله رحم

۱۲. تحصیل علم و دانش

۱۳. وفای به عهد

۱۴. صدق و راستی

۱۵. ادای امانت

۱۶. عفت و پاکدامنی

۱۷.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۲

تواضع و فروتنی

۱۸. حیا

۱۹. صبر

۲۰. جوانمردی

۲۱. کرم

۲۲. ایثار

۲۳. تقوا

۲۴. عدالت

۲۵. نوع‌پروری

۲۶. دوست داشتن بندگان خدا

۲۷. خوبی معاشرت با مردم

۲۸. خوش سلوکی با اهل و عیال

۲۹. تربیت اولاد

۳۰. اعانت و یاری مظلومین و ستمدیدگان

۳۱. نگهداری راز و سرّ مردم

۳۲. نگاهداری یتیمان

۳۳. کفالت بیوه زنان و عَجَزَه و ناتوانان

۳۴. پرستاری و عیادت بیماران

۳۵. مواسات با فقیران

۳۶. رحم آوردن بر ضعیفان

۳۷. احترام کردن از پیران

۳۸.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۳

تشویق و توقیر نیکان و خدمتگزاران

۳۹. سپردن مشاغل اجتماعی به اهل لیاقت و شایستگان

۴۰. سیر کردن گرسنگان

۴۱. سیراب کردن تشنگان

۴۲. سوار کردن پیادگان

۴۳. همکاری با اخیار و نیکان

۴۴. تحصیل روزی حلال و تهیه شغل و کسب و کار

۴۵. توسعه دادن بر اهل و عیال

۴۶. یادگرفتن صنعت‌هایی که برای جامعه لازم است

۴۷. اقتصاد و میانه‌روی در مخارج زناشویی و ازدواج

۴۸. نظافت و پاکیزگی و رعایت بهداشت

۴۹. قرض دادن

۵۰. حوایج بندگان خدا را برآوردن

۵۱. انواع خیرات و مبرّات از قبیل تأسیس دارالمساکین، و دارالایتام، و دارالعَجَزه و بیمارستان و درمانگاه

۵۲. سعی در آسان کردن زندگی بر مردم

۵۳. کوشش در بسط و توسعه علم و فرهنگ و بالا بردن سطح علم و اخلاق جامعه

۵۴. تهیّه کار برای اشخاص بیکار

۵۵. اصلاح ذاتُ البَین

۵۶. حضور در مساجد و جماعات و مجامع دینی و علمی و تعظیم از شعائر مذهبی

۵۷.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۴

دفع شرّ از مسلمانان

۵۸. آماده بودن برای دفاع از حدود و مرزهای کشور اسلامی

۵۹. تسلیم بودن در برابر مقررات و احکام الهی

۶۰. هدایت و راهنمایی و نصیحت و خیرخواهی مردم

۶۱. عفو و گذشت و امر به معروف و نهی از منکر.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۵

برخی از انواع منکر و گناهان و اخلاق ذمیمه

۱. شرک به خدا

۲. قتل نفس و آدمکشی بی‌مجوّز شرعی

۳. رنجاندن پدر و مادر

۴. قطع رحم

۵. ظلم و ستمکاری

۶. خیانت

۷. دروغ

۸. نفاق و دورویی

۹. تکبّر

۱۰. حسد

۱۱. غیبت

۱۲. حبّ جاه و ریاست

۱۳. حبّ دنیا

۱۴. ریاکاری

۱۵. سوء خلق

۱۶. زنا و لواط و هر نوع اعمال شهوت از راه نامشروع

۱۷.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۶

نسبت زنا و بی‌عفتی به کسی دادن

۱۸. کینه مسلمانی را در دل گرفتن

۱۹. ایجاد اختلاف و پراکندگی میان جامعه

۲۰. خودداری از ادای شهادت

۲۱. قسم دروغ یاد کردن

۲۲. شهادت دروغ دادن

۲۳. حقوق مردم را ضایع ساختن

۲۴. عجب و خودبینی

۲۵. کم‌فروشی

۲۶. دزدی

۲۷. رباخواری

۲۸. شرب خمر و هر چیز مست کننده

۲۹. قماربازی

۳۰. تبذیر و اسراف مال

۳۱. همکاری با اجانب و بیگانگان و دشمنان اسلام

۳۲. گرویدن به ظلمه و ستمکاران

۳۳. یاری و اعانت ظالم

۳۴. بدعت نهادن

۳۵. خودداری از ادای حقوق مردم با تمکّن

۳۶. دشنام و ناسزا به مردم گفتن

۳۷. مداخلات و تصرفات نامشروع در موقوفات

۳۸.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۷

ساحری و شعبده‌بازی و جادوگری

۳۹. مسلمانی را مسخره کردن

۴۰. کسی را بی‌جهت خوار و خفیف و سبک نمودن

۴۱. رشوه گرفتن و رشوه دادن

۴۲. به ناحق میان مردم قضا و حکومت کردن

۴۳. سوء استفاده از شغل و مقام خود نمودن

۴۴. راه‌ها و شوارع را تنگ کردن

۴۵. بی‌قیدی به مصالح اجتماعی

۴۶. راهزنی و مخلّ امنیت و آسایش جامعه شدن

۴۷. سخن چینی و نمّامی

۴۸. فرار از جهاد

۴۹. غش و تلبیس و تقلّب و کلاهبرداری

۵۰. حقّ‌نشناسی

۵۱. مال حرام خوردن

۵۲. خوردن گوشت خوک و مردار و هر حیوان حرام گوشت و حیوانی که نام خدا در موقع ذبح آن برده نشده باشد

۵۳. بیکاری و ولگردی

۵۴. دخالت و تصرف عدوانی در اموال غیّب و قصّر و محجورین

۵۵. کسب‌های حرام مانند فروختن و ساختن می و آلات قمار و لهو و لعب مثل نرد و شطرنج و ورق‌های قماربازی و تار و ساز و غیره

۵۶. استعمال ظروف طلا و نقره

۵۷.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۸

بی‌حجابی زنان

۵۸. معاشرت‌های نامشروع مردان و بانوان همچنانکه در این عصر در بین بعضی مرسوم شده

۵۹. اذیت همسایه

۶۰. نقض عهد و شکستن پیمان

۶۱. مقام و منصبی را با فقدان صلاحیت عهده‌دار شدن

۶۲. مال یتیم خوردن

۶۳. از رحمت خدا نومید بودن

۶۴. نماز یا یکی دیگر از واجبات را ترک کردن

۶۵. اشتغال به ملاهی و لهو و لعب و استماع غنا و اصوات آلات طرب

۶۶. فساد و اغتشاش و آشوب برپا کردن

۶۷. راز کسی را فاش کردن

۶۸. تفحص و جستجو از عیب مردم نمودن

۶۹. آبروی مردم را ریختن و ترک امر به معروف و نهی از منکر.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۰۹

حبّ فی الله وبغض فی الله

یکی از امور مهمه که با پیشرفت مقصد و حصول فایده‌ای که از امر به معروف و نهی از منکر در نظر گرفته شده است، ارتباط و تأثیر بسیار دارد «حبّ فی الله وبغض فی الله» است.

حبّ و بغض و دوستی و قهر، یکی از مسایل بزرگ زندگی انسان بشمار می‌رود و با تمام مسایل زندگی او مربوط است. کردار و رفتار و به طور کلی همه اعمال بشر و کوشش‌های او مولود حبّ یا بغض و عشق و علاقه، و یا دشمنی و عداوت است. انسان چیزهایی را دوست می‌دارد و به اشخاصی علاقه‌مند است و از چیزهایی هم متنفّر است. نمی‌تواند هم اینطور نباشد؛ زیرا هر چه دارد از عشق و علاقه و محبت دارد و از هر کس خیر و منفعتی به او رسیده است منشأش محبت بوده. خودش هم به هر چه موافق با طبع و منافعش باشد علاقه‌مند است، و با هر چه مانع منافع و کمال و منافر با طبع اوست دشمن است. حیات و بقایش را خداوند با محبت و عشق مربوط ساخته است، پس مسئله حبّ و بغض و دوستی‌ها و دشمنی‌های بشر دارای کمال اهمیت است و اگر تحت یک ترتیب منظم درآید، در سایر مسایل هم ترتیب و اعتدال و انتظام آسان می‌شود. باید در حبّ و بغض روشی پیدا کرد که همه افراد را هماهنگ و با هم نزدیک و

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۰

همکار سازد. باید پایه محبت‌ها را با روح و معنویت نمود که همه وقت به فریاد انسان برسد و درد بشر را درمان کند و او را نسبت به فقرا و افتادگان و زیردستان مترحّم و مهربان سازد. دوستی‌هایی که پایه آنها امور دنیوی و منافع مادی باشد، پایدار نمی‌ماند و مردم از آن حظّ و لذت نمی‌برند؛ زیرا تا وقتی منافع شخصی آنها تأمین گردد، با هم دوستی می‌کنند و وقتی آن منافع از میان رفت، رشته مودّت آنها گسیخته می‌شود، بلکه به عداوت و دشمنی تبدیل می‌گردد.

اگر نظریات کوچک و مطالب دنیایی منشأ قهر و مهر شود، بازار منازعات و اختلافات رایج می‌گردد و قوای بشری و نیروی خداداد او که باید در راه ترقّی و کمال او صرف گردد، تجزیه و تقسیم شده در راه‌های ضد و نقیض هم به کار می‌افتد و وحدت اجتماعی آنها از میان می‌رود و هر کس برای خودش می‌شود نه برای همه.

بر عکس، اگر مبانی دوستی‌ها و دشمنی‌ها را امور معنوی و روحانی قرار دهند و بشر از مهر و قهر خود حقایق عالی‌تر و مقاصد بلندتری را منظور سازد و عواطف خود را تا حدی که میسَر است از چنگال تصرفات عالم طبیعت و متاع و حُطام دنیا نجات دهد، همه از هم خیر می‌بینند و همه به نفع یکدیگر زحمت می‌کشند و رنج خود و راحت یاران می‌طلبند. نه فقیرشان درمانده می‌شود، و

نه توانگرشان بی‌رحم و بی‌انصاف می‌گردد، و نه مریضشان بی‌دوا و غذا و بی‌پرستار می‌ماند، و نه حقّ کسی پایمال می‌گردد، و نه خیانتکار در میان آنها پا می‌گیرد، و نه زمامدارانشان متکبّر و جبّار می‌شوند، و نه مردم امین و درستکار در جامعه آنها عقب می‌مانند و نه

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۱

کسی با بیگانگان و اشرار و مفسدین همکاری می‌کند. همه به هم مربوط و به یکدیگر پیوسته می‌شوند مانند یک پیکر و اعضای یک بدن می‌شوند که اگر به یک عضو درد و الم و صدمه برسد، سایر اعضا در بی‌خوابی و رنج با آن عضو شریکند. در احادیث آمده است:

«عن ابی جعفر علیه‌السّلام انّه قال: المؤمنون فی تبارهم وتراحمهم وتعاطفهم کمثل الجسد إذا اشتکی تداعی له سائره بالسّهر والحمّی»[۹۲]

حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمود: انسان‌های مؤمن در نیکویی و مهربانی و شفقت با یکدیگر، همانند پیکر واحد هستند که اگر قسمتی به درد آید، اعضای دیگر در بی‌خوابی و مرض، با آن همراهی می‌کنند.[۹۳]

در چنین جامعه‌ای است که حس استقلال و حرّیت به معنی واقعی خود وجود دارد و فقرا و ضعفا در استفاده از نعمت آزادی و استقلال با اغنیا و اقویا برابری دارند و همه در صف واحد قرار می‌گیرند. در قرآن مجید می‌فرماید:

(قُلْ یَا أَهْلَ الْکِتَابِ تَعَالَوْاْ إِلَی کَلَمَةٍ سَوَاء بَیْنَنَا وَبَیْنَکُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللّهَ وَلَا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئًا وَلَا یَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللّهِ)[۹۴]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۲

برای به وجود آوردن یک جامعه محکم و پایدار، یگانه راه، متحد ساختن هدف‌ها و مقصدها و نیت‌های افراد آن جامعه است و برای حصول یک چنین وحدت و یگانگی معنوی و اجتماعی، راه‌هایی مانند وحدت زبان و نژاد و وطن گفته می‌شود که هیچکدام برای تأمین این منظور وافی نیستند.

و ثانیاً: این حرف‌ها نمی‌تواند آن‌قدرها در قلب مردم نفوذ کند که یک جامعه را به راه بیندازد. تنها راه وصول به این مقصود، دین صحیح و ایمان به خداست که محبوب و مقصود حقیقی بشر است اگر همه در اعمال و رفتار و دوستی‌ها و دشمنی‌ها رضای او را بخواهند و از عذاب او بپرهیزند، از معایب و مفاسد اخلاقی و اجتماعی مصون می‌مانند.

عقیده توحیدی که اسلام، بشر را به آن دعوت می‌کند، موجد این وحدت و یگانگی است و موحّد را در هر حال از شرک و اختلاف و جدایی و اعتنا به امتیازات لغو و باطل دور می‌سازد چنانچه از حضرت رسول خدا صلّی الله علیه وآله روایت شده است که فرمود:

«ایّها النّاس انّ ربّکم واحد وان أباکم واحد کلّکم لآدم وآدم من تراب انّ أکرمکم عندالله اتقیکم ولیس لعربی علی عجمّی فضل الّا بالتّقوی»[۹۵]

هان ای مردم! پروردگار شما یکی است و پدر شما نیز یکی است و همه شما از آدمید و آدم از خاک، به درستی که گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست و عرب بر عجم هیچ برتری ندارد مگر با پرهیزگاری.

در همه تکالیف و تعلیمات اسلام، حفظ و تقویت عقیده توحید و توجه

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۳

به خدای یگانه ملاحظه شده است در مورد حبّ و بغض و دوستی و دشمنی که بشر بالطبع و بالفطره از آن ناگزیر است پیروان خود

را به خدا متوجه می‌کند و دستور می‌دهد که برای خدا و در راه او دوستی و دشمنی نمایند؛ با دوستان خدا دوست و با دشمنان او دشمن باشند. در قرآن مجید می‌فرماید:

(لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءهُمْ أَوْ أَبْنَاءهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُوْلَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ)[۹۶]

نمی‌یابی تو قومی را که ایمان به خدا و روز جزا می‌آورند که دوستی نمایند با کسی که در مقام دشمنی و خصومت با خدا و پیغمبر اوست هر چند بوده باشند اینگونه اشخاص که با خدا و پیغمبرش دشمنند، پدران ایشان یا فرزندان ایشان یا برادران ایشان یا عشیره و فامیل ایشان، این مردمند که خدا در دل‌هاشان ایمان را ثبت و نوشته است.

در کتاب وسایل الشیعه از حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام روایت است که فرمود:

«قال رسول الله صلّی الله علیه وآله لأصحابه: أی عری الایمان اوثق؟»

«فقالوا: الله ورسوله اعلم. وقال بعضهم: الصلاهٔ. وقال بعضهم: الزّکوهٔ. وقال بعضهم: الحجّ والعمرهٔ. و قال بعضهم الجهاد. فقال رسول الله صلّی الله علیه

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۴

وآله: لکلّ ماقلتم فضل ولیس به ولکن اوثق عری الایمان الحبّ فی الله والبغض فی الله وتوالی اولیاء الله والتبرّی من أعداءالله»[۹۷]

پیغمبر اکرم صلّی الله علیه وآله از اصحابش پرسید: کدامیک از دستگیره‌های ایمان محکم‌تر است؟

پس عرض کردند: خدا و رسول او داناترند، و بعضی گفتند: نماز، بعضی گفتند: زکات، بعضی گفتند: روزه، بعضی گفتند: حج و عمره، بعضی گفتند: جهاد،

پیغمبر فرمود: برای هر یک از آنچه شما گفتید فضیلت است، ولی آن محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان نیست ولکن استوارترین دستگیره‌های ایمان، حبّ و دوستی در راه خدا و بغض و دشمنی در راه خدا و محبت و تولای اولیای خدا و تبری و بیزاری از دشمنان خداست.

و در کتاب مذکور از فضیل بن یسار نقل شده است که گفت:

«سئلت ابا عبدالله علیه‌السّلام عن الحبّ والبغض امن الایمان هو؟»

«فقال: و هل الایمان الّا الحبّ والبغض»[۹۸]

پرسیدم از حضرت ابی عبدالله علیه‌السلام که آیا حبّ و بغض از ایمان است؟

در جواب فرمود: مگر ایمان به جز حبّ و بغض است!.

از این قبیل اخبار و احادیث بسیار است که از همین مختصری که از آنها نقل شده، اهمیت حبّ فی الله و بغض فی الله معلوم می‌گردد.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۵

اگر کسانی که به اسلام و مسلمین و مصالح عام علاقه‌مند هستند در انجام همین یک وظیفه بزرگ کوتاهی نکنند و حبّ فی الله و بغض فی الله را در همه کارها دخالت دهند و با ارباب معاصی، دوستی و مجالست و معامله و معاشرت نکنند و برای آنها قدر و شخصیتی قایل نشوند یقیناً تأدیب و متنبّه می‌شوند. اگر از ستمکاران احترام ننمایند و به آنها کمک ندهند و از آنان تبرّی و بیزاری جویند، ستمکاری رایج نمی‌گردد و کسی به ظلم و ستم افتخار نمی‌نماید. اگر جامعه به آنهایی که به نماز و روزه و زکات و سایر

واجبات و بلکه مستحبات مانند نماز جماعت و غیره بی‌اعتنایی می‌کنند، ارج و اهمیت نمی‌داد، کسی در ادای فرایض مسامحه نمی‌نمود و نماز جماعت و مجالس دینی بیش از اینها شوکت و عظمت می‌یافت. اگر با نیکان و اخیار در هر شغل و کار که باشند دوستی می‌نمودند و از آنها تشویق و قدردانی می‌کردند، اشرار و بدکاران روی کار نمی‌آمدند.

حقیقتاً این اصل بزرگ، یعنی «حبّ فی الله» و «بغض فی الله» امروز در میان ما مسلمانان چندان مورد احترام نیست. برای از میان رفتن یک جامعه همین بس است که افرادش در دوستی‌ها و دشمنی‌ها پای منافع شخصی را در میان آورند و تصدیق و تمجید و انتقاد آنها روی این نظریات کودکانه قرار بگیرد.

اهل بصیرت و اطلاع می‌دانند که علّت عمده‌ی تجزیه‌ی ممالك اسلامی و تفرقه کنونی مسلمانان و تسلط بیگانگان، دوستی‌ها و همکاری‌های بعضی از مسلمین با اجانب است که برای رسیدن به منفعت‌های خصوصی، باب دوستی و مخالطت را با آنها باز نمودند و با آنها در خراب کردن و اضمحلال شوکت مسلمانان، همراهی نمودند و نقشه‌های شوم آنها را اجرا نموده و می‌نمایند.

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۶

(یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَعَدُوَّکُمْ أَوْلِیَاء)[۹۹]

امروزه بیشتر حکومت‌های اسلامی و امور تجارت و بازرگانی و فلاحت و کشاورزی و همه شئون حیاتی آنها به دست همین عناصر پلید و بیگانه پرست تحت نظارت اجانب درآمده است که حتّی در رفع کوچك‌ترین حوایج زندگی باید دست احتیاج به جانب دیگران دراز کنیم و ضروریات زندگی خود را باید از کشورهای بیگانه تهیه نماییم. اینها با وسایلی که در دست دارند ملل اسلامی را در حال رکود و عقب ماندگی نگاه می‌دارند تا نتوانند با دنیای حاضر هماهنگی نموده با هدایت تعلیمات آسمانی قرآن مجید، موقعیت سابق خود را در جهان به دست آورند. برای آنکه نگذارند مردم بیدار و هوشیار شده در مقام چاره‌جویی برآیند با تبلیغات خود آنها را به کارهایی که غیر از خسارت فایده ندارد، سرگرم می‌کنند.

اگر عوض این همه اهتمامی که در تبعیت از ظواهر و بعض عادات زشت و ترویج اعمال ناپسندیده پاره‌ای از نادانان ملل غرب می‌نمایند، در فرا گرفتن علوم و دانش‌هایی که آنها به آن دست یافته‌اند مختصر توجهی می‌نمودیم، یقیناً امروز بیش از اینها در دنیا جلو رفته بودیم. خدا می‌داند که سالی چه مبلغ پول مسلمانان از راه خریداری اشیاء لوکس و غیر ضروری و بی‌فایده از جیبشان خارج می‌شود! و ماهانه جوانان بوالهوس، و اغنیای نادان چه مبلغ صرف تجملات بیهوده و زنانه‌کاری‌ها و تهیه انواع بی‌عاری‌ها می‌نمایند و اگر این پول‌ها را جمع نمایند می‌توانند با مبلغ کمی از آن، مدارس مهم و بیمارستان‌های بزرگ- که تا چند قرن برای جامعه مفید

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۷

باشد- تأسیس نمایند، یا کارخانه‌هایی که در آن هزاران مردم بیکار و گرسنه به کسب و کار و ارتزاق مشغول شوند ایجاد نمایند.

باری، غرض این است که دوستی نمودن با دشمنان خدا و اهل معصیت، زیان‌ها و مفسده‌ها دارد. «حبّ فی الله» و «بغض فی الله» یکی از صفاتی است که عقلا و شرعاً ممدوح و مستحسن است و برای حفظ قومیت و استقلال و شخصیت هر طایفه کمتر وسیله‌ای به مرتبه آن می‌رسد. هر چه در یک جامعه این صفت قوی‌تر باشد، دست تجاوزات و مداخلات دشمنان از سرشان کوتاه‌تر خواهد بود، ولی متأسفانه امروزه پاره‌ای از مسلمانان عوض آنکه این مطلب را مراعات کنند و به حکم محکم:

(أَشِدَّاء عَلَى الْکُفَّارِ رُحَمَاء بَیْنَهُمْ)[۱۰۰]

در مقابل کفّار و دشمنانی که در مقام از بین بردن آنها و یا فاسد کردن اخلاقشان هستند، شدت و قوت و استحکام داشته باشند و

در میان خودشان با هم دوست و مهربان باشند، بی‌شرمانه با باز کردن باب مخالطت و همکاری با کفّار، کلید کشورهای اسلامی را به دست آنها می‌سپارند و به جای آنکه دیگران را استخدام نمایند، مستخدم بیگانگان و وسیله اجرای مقاصد نامشروع آنها می‌شوند. دیانت و ملیت و سعادت خود و جامعه خود را برای خاطر آنها به قیمت پائینی در معرض فروش می‌گذارند و مسلمانان را به اسم دعوت به تمدن موهوم و آزادی دروغی، به فساد و فحشا و لهو و لعب و خیانت ترغیب می‌نمایند و تقلید کورکورانه از اجانب و دشمنان اسلام را سرمشق خود قرار داده هر منکر و عمل زشتی را با وسایلی که دارند رواج می‌دهند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۸

می‌روند در کشورهای مسیحی در لابه‌لای مطبوعات و روزنامه‌های آنها گردش می‌کنند یک کار زشت و منکری را که یک نفر نادان در یک گوشه‌ای مرتکب شده پیدا می‌کنند و به فکر ترویج آن می‌افتند و با آب و تاب بسیار آن را روی صفحات کاغذ پاره‌هایی که به دست جوانان مسلمان می‌دهند می‌آورند.

آیا طبع و نقل زناشویی خانم‌های ... با حیوانات، و طلاق گرفتن فلان خانم از شوهرش برای خاطر ازدواج با سگ یا بوزینه (که شاید اصلًا دروغ و مجعول باشد) برای آن پسر و دختر ایرانی که غیر از تقوا و پاکدامنی، سرمایه‌ای ندارد، غیر از دعوت به فساد معنایی دارد؟

آیا از انتشار عکس فلان پسر یا دختری که با خرج خود یا با پول و دسترنج کشاورزان فقیر به خارج رفته، در حال رقص با خرس آن را افتخار معرفی کردن و نظایر این مطالب که قلم از نوشتن آن خجل و شرمسار است، غیر از ترویج منکرات و منحرف ساختن جوانان ساده لوح چه نتیجه‌ای دارد؟ کسی نمی‌فهمد که ترقی و کمال و با دنیا جلو رفتن و با ملل عالم مربوط شدن و علوم و صنایع عصر را فرا گرفتن چه ارتباطی به این حرف‌ها دارد؟

اذا کان الغراب دلیل قوم‌سیهدیهم سبیل الهالکینا

در بعضی کتب اخبار است که خداوند وحی فرستاد به سوی پیغمبری از پیغمبران خود که به مؤمنین بگو نپوشند لباس دشمنان مرا و نخورند غذای دشمنان مرا و نروند به راه‌های دشمنان من، پس می‌شوند از دشمنان من، چنانچه ایشان دشمنان من هستند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۱۹

ای عقلای قوم! و ای زمامداران علاقه‌مند! و ای کسانی که این مطالب را درک کرده و می‌فهمید! تا آب از سر نگذشته برای این مردم فکری بکنید.

نگذارید بیش از این افراط در لهو و لعب و زشتکاری رایج شود.

نگذارید بیش از این میل طبیعی افراد را به لهو و لعب و میگساری و رقص و قمار و بی‌عفتی ترغیب نمایند.

نگذارید صفحه شرافت و حیای جامعه شما لکه‌دار شود.

نگذارید جوانان شما عوض تحصیل و ترقی و کوشش و جهد، با بی‌ایمانی و تنبلی و بی‌عفتی و معاشقه سر و کار پیدا کنند و بانوان را در فساد با خود همدست نمایند.

نگذارید نظام انساب و نسل و نظام اجتماع را مردمان بوالهوس شهوتران، بازیچه دست خود قرار دهند.

نگذارید پایه زندگی خانواده شما با اداره رفتن خانم‌ها دستخوش ویرانی و انهدام شود.

با این همه مردهای بیکار که پشت درِ وزارتخانه‌ها ریخته‌اند، چه حاجتی به استخدام خانم‌ها داریم تا با استخدام آنها به اسم ماشین‌نویس و غیره ادارات را مرکز معاشقه و توالد و تناسل‌های نامشروع قرار دهند و پول‌هایی را که باید صرف اصلاح احوال بندگان خدا و رفع فقر و گرسنگی و پریشانی شود در این راه‌ها خرج کنند و کار را به جایی برسانند که یکی از آقایان نمایندگان

مجلس در جلسه علنی راجع به یکی از سازمان‌ها اعتراض نماید و بگوید که: در روزنامه‌ای خواندم که یک معروفه‌ای را که در کافه «نینا» خدمت می‌کرده در آن سازمان با ماهی هزار تومان حقوق استخدام کرده‌اند.

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲۰

بیایید به این شنایع و زشتی‌ها خاتمه دهید و خانم‌ها را به خانه‌هاشان برگردانید و آنها را در اداره امور خانه و تربیت فرزند و وظایف خاصه خودشان بگمارید و از دخالت در کارهای مردها معافشان سازید و سعادت آنها را پایمال هوی و هوس ننمایید.

شما را به خدا در این چند ساله که راه این معاشرت‌ها را به روی زن‌ها باز کردید و آنها را برای میل نفسانی و تقلید از مسیحی‌ها، خیابانگرد و بی‌حجاب کردید، غیر از تکثیر اعمال زشت و رسوایی چه فایده‌ای بردیم!؟ یک روز بود که ما مسلمان‌ها افتخار داشتیم که در تمام جامعه چهارصد میلیونی ما یک خانمی که سقط جنین نماید وجود ندارد، در میان جمعیت ما از برکت تعالیم اسلام یک نفر ولد الزّنا یافت نمی‌شود. امروز هم این وضعیت را می‌بینیم که بعضی عاشقان ظواهر غرب، می‌خواهند همه این افتخارات و اخلاق فاضله را نابود کنند.

اولیای مقدس اسلام از این اوضاع به ما خبر دادند و ما آن را یکی از معجزات آنها می‌شماریم از آن جمله روایتی است که اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه‌السّلام نقل فرموده که:

«قال سمعته یقول: تظهر فی آخر الزمان واقتراب الساعهٔ وهو شر الازمنهٔ نسوهٔ کاشفات عاریات متبرّجات خارجات من الدین، داخلات فی الفتن، مائلات الی الشهوات، مسرعات الی اللذات، مستحلات للمحرمات، فی جهنم خالدات»[۱۰۱]

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲۱

در آخرالزمان و نزدیک شدن قیامت- که بدترین

زمان‌هاست- زن‌هایی پیدا می‌شوند که مکشوفه و برهنه و ظاهر کننده زینت خود در پیش نامحرم هستند و از دین خدا خارج باشند و در فتنه‌ها داخل، و به سوی شهوات مایل، و به طرف لذت‌ها سرعت کنند، حرام‌ها را حلال شمارند! چنین زنانی در جهنّم مخلّد باشند.

خوانندگان محترم در همین جا این بحث را خاتمه می‌دهیم و از شما معذرت می‌خواهیم.

تصدیق دارم که چون غالب مطالب کتاب در ضمن چند روز از ایام تعطیل دهه عاشورای سال ۱۳۶۹ ه- ق نوشته شد و فرصت و مجال کافی برای مطالعات و مراجعات لازم را نداشتم، به طور شایسته از عهده ادای حق مطلب برنیامده‌ام، بنابراین هرگاه به اشتباه و خطایی برخوردید با تصحیح آن بر این ناچیز منّت گذارید و زبان به ملامتم نگشایید.

من خجلم از عمل خام خویش‌تو به ملامت نکنم سینه ریش

در روش زمره‌ی آزادگان‌نیست روا طعنه بر افتادگان

رجب المرجب ۱۳۶۹ ه- ق

لطف الله صافی گلپایگانی

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲۳

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله العالی در یک نگاه

ردیف--- نام کتاب--- زبان--- ترجمه

قرآن و تفسیر

۱--- تفسیر آیه فطرت--- فارسی-----

۲--- القرآن مصون عن التحریف--- عربی-----

۳--- تفسیر آیهٔ التطهیر--- عربی-----

۴--- تفسیر آیهٔ الانذار--- عربی-----

حدیث

۵--- منتخب الاثر در ۳ جلد--- عربی--- اردو/ انگلیسی

---- غیبهٔ المنتظر--- عربی---

۶--- قبس من مناقب امیرالمؤمنین (ع) (مئهٔ و عشر حدیث من کتب عامهٔ)--- عربی--- فارسی

---- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین (ع) در حدیث-------- فارسی

۷--- احادیث الائمهٔ الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها--- عربی-----

۸--- احادیث الفضائل--- عربی-----

فقه

۹--- توضیح المسائل--- فارسی-----

---- منتخب الاحکام--- فارسی-----

۱۰--- احکام نوجوانان--- فارسی--- انگلیسی

۱۱--- جامع الاحکام در ۲ جلد--- فارسی-----

۱۲--- استفتائات قضایی--- فارسی-----

۱۳--- استفتائات پزشکی--- فارسی-----

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲۴

۱۴--- مناسک حج--- فارسی--- عربی

۱۵--- مناسک عمره مفرده--- فارسی--- عربی

۱۶--- هزار سؤال پیرامون حج--- فارسی-----

۱۷--- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد--- فارسی--- آذری

۱۸--- احکام خمس--- فارسی-----

۱۹--- اعتبار قصد قربت در وقف--- فارسی-----

۲۰--- رساله در احکام ثانویه--- فارسی-----

۲۱--- فقه الحج در ۴ جلد--- عربی-----

۲۲--- هدایهٔ العباد در ۲ جلد--- عربی-----

۲۳--- هدایهٔ السائل--- عربی-----

۲۴--- حواشی علی العروهٔ الوثقی--- عربی-----

۲۵--- القول الفاخر فی صلاهٔ المسافر--- عربی-----

۲۶--- فقه الخمس--- عربی-----

۲۷--- أوقات الصلوهٔ--- عربی-----

۲۸--- التعزیر (احکامه و ملحقاته)--- عربی-----

۲۹--- ضرورهٔ وجود الحکومهٔ--- عربی--- فارسی

۳۰--- رسالهٔ فی معاملات المستحدثهٔ--- عربی-----

۳۱--- التداعی فی مال من دون بینهٔ و لاید--- عربی-----

۳۲--- رسالهٔ فی المال المعیّن المشتبه ملکیته--- عربی-----

۳۳--- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین--- عربی-----

۳۴--- ارث الزوجهٔ--- عربی-----

۳۵--- مع الشیخ جاد الحق فی ارث العصبه--- عربی-----

۳۶--- حول دیات ظریف ابن ناصح--- عربی-----

۳۷--- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعیهٔ الاستخارهٔ)--- عربی-----

---- الرسائل الخمس--- عربی-----

۳۸--- الشعائر الحسینیهٔ--- عربی-----

---- آنچه هر مسلمان باید بداند-------- آذری

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲۵

اصول فقه

۳۹--- بیان الاصول در ۳ جلد--- عربی-----

۴۰--- رسالهٔ فی الشهرهٔ--- عربی-----

۴۱--- رسالهٔ فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبههٔ الحکمیهٔ--- عربی-----

۴۲--- رسالهٔ فی الشروط--- عربی-----

عقاید و کلام

۴۳--- عرض دین--- فارسی-----

۴۴--- به سوی آفریدگار--- فارسی-----

۴۵--- الهیات در نهج‌البلاغه--- فارسی-----

۴۶--- معارف دین در ۲ جلد--- فارسی-----

۴۷--- پیرامون روز تاریخی غدیر--- فارسی-----

۴۸--- ندای اسلام از اروپا--- فارسی-----

۴۹--- نگرشی بر فلسفه و عرفان--- فارسی-----

۵۰--- نیایش در عرفات--- فارسی-----

۵۱--- سفرنامه حج--- فارسی-----

۵۲--- شهید آگاه--- فارسی-----

---- امامت و مهدویت--- فارسی-----

۵۳--- نظام امامت و رهبری/ ۱--- فارسی-----

۵۴--- تجلی توحید در نظام امامت/ ۲--- فارسی--- عربی

۵۵--- ولایت تکوینی و ولایت تشریعی/ ۳--- فارسی-----

۵۶--- پیرامون معرفت امام/ ۴--- فارسی-----

۵۷--- معرفت حجت خدا/ ۵--- فارسی-----

۵۸--- وابستگی جهان به امام زمان/ ۶--- فارسی-----

۵۹--- باورداشت مهدویت/ ۷--- فارسی--- عربی

۶۰--- اصالت مهدویت/ ۸--- فارسی-----

۶۱--- نوید امن و امان/ ۹--- فارسی--- آذری

۶۲--- عقیده نجات بخش/ ۱۰--- فارسی-----

۶۳--- انتظار، عامل مقاومت و حرکت/ ۱۱--- فارسی-----

۶۴--- به سوی دولت کریمه/ ۱۲--- فارسی-----

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲۶

۶۵--- پاسخ به ده پرسش/ ۱۳--- فارسی-----

۶۶--- گفتمان مهدویت/ ۱۴--- فارسی--- انگلیسی

۶۷--- فروغ ولایت در دعای ندبه/ ۱۵--- فارسی--- عربی

۶۸--- پیام‌های مهدوی/ ۱۶--- فارسی-----

۶۹--- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه--- فارسی--- انگلیسی

۷۰--- گفتمان عاشورایی--- فارسی-----

۷۱--- مقالات کلامی--- فارسی-----

۷۲--- الی هدی کتاب الله--- عربی-----

۷۳--- ایران تسمع فتجیب--- عربی-----

۷۴--- رسالهٔ حول عصمهٔ الانبیاء و الائمهٔ--- عربی-----

۷۵--- تعلیقات علی رسالهٔ الجبر و القدر--- عربی-----

---- لمحات فی الکتاب والحدیث والمذهب--- عربی-----

۷۶--- صوت الحق و دعوهٔالصدق--- عربی-----

۷۷--- رد اکذوبهٔ خطبهٔ الامام علی (ع)، علی الزهرا (س)--- عربی-----

۷۸--- مع الخطیب فی خطوطه العریضهٔ--- عربی--- اردو/ فرانسه

۷۹--- رسالهٔ فی البداء--- عربی-----

۸۰--- جلاء البصر لمن یتولی الائمهٔ الاثنی عشر--- عربی-----

۸۱--- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقهٔ--- عربی-----

۸۲--- من لهذا العالم؟--- عربی-----

۸۳--- بین العلمین، الشیخ الصدوق الشیخ المفید--- عربی--- فارسی

--- داوری میان شیخ صدوق و شیخ مفید--------- فارسی

۸۴--- مقدّمات مفصلّهٔ علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقی الجمان»--- عربی-----

۸۵--- امان الامّهٔ من الضلال والاختلاف--- عربی-----

۸۶--- البکاء علی الامام الحسین (ع)--- عربی-----

۸۷--- النقود اللطیفهٔ علی الکتاب المسمی بالاخبارالدخیلهٔ--- عربی-----

راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص: ۱۲۷

تربیتی

۸۸--- ماه مبارک رمضان، عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق--- فارسی-----

۸۹--- راه اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)--- فارسی-----

۹۰--- با جوانان--- فارسی-----

تاریخ

۹۱--- سیرحوزه‌های علمی شیعه--- فارسی-----

۹۲--- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)--- فارسی-----

سیره

۹۳--- پرتوی از عظمت امام حسین (ع)--- فارسی-----

---- آینه‌ی جمال--- فارسی-----

---- از نگاه آفتاب--- فارسی-----

---- اشک و عبرت--- فارسی-----

تراجم

۹۴--- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جواد صافی--- فارسی-----

۹۵--- زندگانی جابر بن حیّان--- فارسی-----

۹۶--- زندگانی بوداسف--- فارسی-----

شعر

۹۷--- دیوان اشعار--- فارسی-----

۹۸--- بزم حضور--- فارسی-----

۹۹--- آفتاب مشرقین--- فارسی-----

۱۰۰--- صحیفهٔ المؤمن--- فارسی-----

۱۰۱--- سبط المصطفی--- فارسی-----

۱۰۲--- در آرزوی وصال--- فارسی-----

مقاله‌ها و خطابه‌ها

۱۰۳--- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)--- فارسی-----

۱۰۴--- شب‌پرگان و آفتاب--- فارسی-----

---- شب عاشورا--- فارسی-----

---- صبح عاشورا--- فارسی-----

۱۰۵--- با عاشوراییان--- فارسی-----

---

[۱] (۱). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴.

[۲] (۱). سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۵۷.

[۳] (۱). سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۲.

[۴] (۱). سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۳

[۵] (۲). سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸.

[۶] (۱). صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۴. مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۷۰.

[۷] (۱). سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۲۷

[۸] (۲). کافی، ج ۱، ص ۷۳، ح ۸(باب النهی عن الکلام فی الکیفیهٔ).

[۹] (۱). سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۵

[۱۰] (۲). سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۱۴.

[۱۱] (۱). کافی، ج ۲، ص ۷۴(باب الطاعهٔ والتّقوی).

[۱۲] (۱). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴.

[۱۳] (۱). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۰

[۱۴] (۲). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱

[۱۵] (۳). سوره‌ی حجّ، آیه‌ی ۴۱.

[۱۶] (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

[۱۷] (۱). همان مدرک، ج ۱۱، ص ۳۹۶

[۱۸] (۲). وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷.[فروع کافی، ج ۵، ص ۵۹]

[۱۹] (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۶.

[۲۰] (۱). همان، ص ۴۰۴

[۲۱] (۲). همان، ص ۴۰۶.

[۲۲] (۱). همان، ص ۳۹۸

[۲۳] (۲). نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۳۶۶، ص ۱۲۶۳.

[۲۴] (۱). تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۵۸.

[۲۵] (۱). وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۷

[۲۶] (۲). وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳۷.

[۲۷] (۱). کافی، ج ۵، ص ۵۶.

[۲۸] (۱). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۲۴.

[۲۹] (۱). بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۸۱ و ۹۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰.

[۳۰] (۱). سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴۴.

[۳۱] (۱). بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸۳، روایت ۵۲(باب وجوب الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر).

[۳۲] (۱). نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمات قصار ۷۰

[۳۳] (۲). همان، خطبه ۱۲۹، ص ۴۰۱

[۳۴] (۳). اشاره به آیه‌ی« آمن الرسول بما انزل الیه من ربه»، بقره/ ۲۸۵.

[۳۵] (۱). و هو سقیم

[۳۶] (۲). شعر از ابو عثمان الحبری است

[۳۷] (۳). سوره‌ی هود، آیه‌ی ۸۸

[۳۸] (۴). سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۳.

[۳۹] (۱). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴۴

[۴۰] (۲). وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۲۰.

[۴۱] (۱). نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۷۶، ص ۱۱۲۲.

[۴۲] (۱). نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۶۵، ص ۱۱۶۹

[۴۳] (۲). تهذیب، ج ۱، ص ۸۳

[۴۴] (۳). سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۶۲.

[۴۵] (۱). سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۱۹.

[۴۶] (۱). بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۳۸، روایت ۳۶.

[۴۷] (۲). سوره‌ی عصر، آیه‌ی ۳.

[۴۸] (۱). الکافی، ج ۵، ص ۶۰

[۴۹] (۲). نهج الفصاحه، ص ۳۱۶

[۵۰] (۳). وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۷.

[۵۱] (۱). سوره‌ی طه، آیه‌ی ۳۶

[۵۲] (۲). سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۴.

[۵۳] (۱). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۰۴

[۵۴] (۲). سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۱.

[۵۵] (۱). بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۹.

[۵۶] (۱). سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۳

[۵۷] (۲). سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۷۸

[۵۸] (۳). سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۴۴.

[۵۹] (۱). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱.

[۶۰] (۱). بحارالأنوار، ج ۹۷، ص ۷۹، روایت ۳۷(باب وجوب الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر).

[۶۱] (۱) ۱. اثر عالم ربانی و دانشمند فقید مجاهد، حضرت آیت‌الله آخوند ملا محمد جواد صافی(ره).

[۶۲] (۱). این ملحد گرسنه در خانه خالی برخوان ....

[۶۳] (۱). سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۶

[۶۴] (۲). سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۵۵.

[۶۵] (۱). بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۷۴.

[۶۶] (۱). مکارم الأخلاق، ص ۴۶۰(فی وصایاه لأبی ذر)

[۶۷] (۲). نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۱۰.

[۶۸] (۱). طبق نقلی خود آن حضرت فرمود:« ما اوذی نبی بمثل ما اذویت»

[۶۹] (۲). سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۳۴.

[۷۰] (۱). نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۷۹، ص ۱۱۲۳.

[۷۱] (۱). سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۹

[۷۲] (۲). سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۲

[۷۳] (۳). سوره‌ی محمّد، آیه‌ی ۷

[۷۴] (۴). سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۳۵.

[۷۵] (۱). سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲.

[۷۶] (۱). صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۰، ج ۸، ص ۱۶.

[۷۷] (۱). مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، جامع معقول و منقول از شخصیت‌های کم نظیر عصر حاضر بشمار می‌روند. ایشان در سال ۱۲۹۲ ه-. ق در بروجرد متولد شده و پس از طی مدارج علمی در علوم اسلامی در آنجا و اصفهان و نجف، به قم هجرت نموده و در آنجا همراه با زعامت و رهبری شیعیان جهان، شاگردان بزرگی را تربیت نمودند و در سال ۱۳۸۰ ه-. ق دعوت حق را لبّیک گفتند. والسّلام علیه یوم ولد، و یوم مات، و یوم یبعث حیّاً وحشره الله مع أجداده الطاهرین.(ر. ک: اعیان الشیعه، مصفی المقال، نقباء البشر، ماضی النجف و حاضرها، لغت‌نامه دهخدا و مصادر دیگر

[۷۸] (۲). این فروع پس از طرح در محضر مرحوم آیهٔالله العظمی بروجردی قدّس‌سرّه توسط مؤلّف، در این کتاب آمده است.

[۷۹] (۳). مسعدهٔ بن صدقه گفته است: نزد امام صادق علیه‌السلام بودم از آن حضرت پرسیدند آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همگان واجب است؟

فرمود: نه.

دلیل خواستند، فرمود: انما هو علی القوی المطاع العالم بالمعروف من المنکر لا علی الضعیف الذی لا یهتدی سبیلا.(وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۰.)

[۸۰] (۱). المنتهی الوصول، ج ۲، ص ۹۹۳.

[۸۱] (۱). سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۱۹.

[۸۲] (۱). سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۳

[۸۳] (۲). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴

[۸۴] (۳). سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۱۰.

[۸۵] (۱). سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳

[۸۶] (۲). سوره‌ی ق، آیه‌ی ۴.

[۸۷] (۱). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۸۴

[۸۸] (۲). سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۰

[۸۹] (۳). سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۸.

[۹۰] (۱). بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰ و ج ۶۸، ص ۳۸۲.

[۹۱] (۱). زمان تألیف کتاب.

[۹۲] (۱). بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۲۳۴، روایت ۳۰ و ص ۲۷۴، روایت ۱۹

[۹۳] (۲). سعدی در شعر زیر به همین مضمون اشاره کرده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرندکه در آفرینش ز یک گوهرند

چون عضوی به درآورد روزگاردگ- ر عضوها را نماند قرار گنج حکمت، ج ۱، ص ۱۵۶

[۹۴] (۳). سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۴.

[۹۵] (۱). بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۰.

[۹۶] (۱). سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۲۲.

[۹۷] (۱). وسایل، ج ۱۱، ص ۴۳۹

[۹۸] (۲). وسایل، ج ۱۱، ص ۴۳۵.

[۹۹] (۱). سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱.

[۱۰۰] (۱). سوره‌ی فتح، آیه‌ی ۲۹.

[۱۰۱] (۱). کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكَمْ وَ أَنْفُسِكَمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكَمْ خَيْرٌ لَكَمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».